

# مالیه (دسته امتحانی)

Year ۹۴ Month ۷ Day ۱۸

مالیه

Subject: ...

## حالت دولت

لایحه ها

(۱۹۴۰)

لایحه ها

(۱۹۴۰ - ۱۹۷۰)

عدم حالت دولت در مقدار

حالت دولت در حوزه ها اعتباری

وظایف دولت: ۱. حفظ و احراز منافع

علاوه بر موارد ۱، ۲، ۳ و ۴ و ۵

۲. برقراری نظم

۶. اجرای سیاست پولی (توسط بانک مرکزی)

۳. اجرای قانون

۷. اجرای سیاست مالی

۴. نظارت بر اجرای قانون

۸. اجرای سیاست اعتباری

۵. حفظ حلاله ها عمومی

۹. تلف بر رفع بیابری و رکود

ن

۱. خاصیت معوض همزا (مالیات) تخمین منافع از دار

۲. عدم رقابت قیمتی

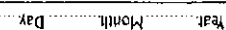
۳. تبدیل این دو خاصیت به خصوصیت تعالیس به تولید کالاها  
عمومی را ندارد

اما این کالاها برای رفاه عام ضروری اند لذا دولت باید  
اندام به تولید و توزیع کالای عمومی نماید

۴. حالا تولید کالاها عمومی به چه قیمتی؟

و آیا کجا؟

10



Year	Month	Day
------	-------	-----

Year	Month	Day
------	-------	-----

Year	Month	Day
------	-------	-----

Year	Month	Day
------	-------	-----

Year..... Month..... Day.....

Subject.....

تعلل استقلال مطلق :

وضعیتی است که در آن تقریباً ۹۵٪ افراد جوانی کار صاحب فضل هسته

و نرخ بیکاری تقریباً ۵٪ است و این ۵٪ بیکاری را وظایف است یعنی برای

هفتاد درصد از کارهای کار وجود دارد اما حاضر نیست کار کند.

سیاست مالی و بودجه‌ای

TR - T ↓ ، G ↑

انقباض

↓ TR - T ↑ ، G ↓

انقباضی

رأفت اشتغال

TR عبارتند از پرداخت ها استقلال ← هر دو طرف دولت و مجبورند

و در ازای آن دولت از مجبورند چیزی نقد خواهد (مثل لغت ها ، یارانه ها ،

کمپن راجائی ، بیمه های)

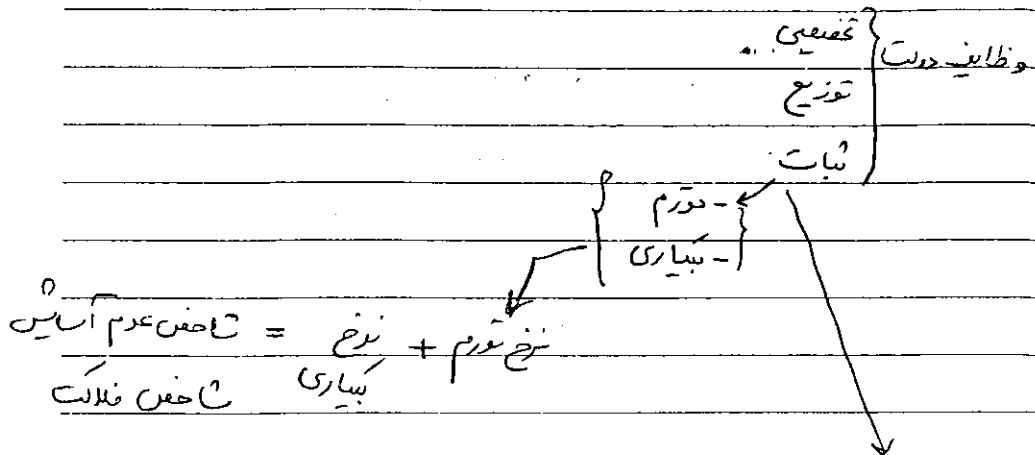
تجارت کسره ها خود کار ؛ بیمه بیکاری مثلا با دادن بیمه بیکاری باعث می شود

بعد از بیکاری شدن فرد تقاضا یا پس نرود.

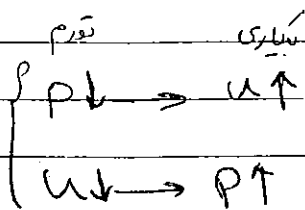
$\frac{d}{dt} \left( \frac{1}{r^2} \right) = -\frac{2}{r^3} \frac{dr}{dt}$

۱-  $\text{C}_{\text{max}}$  → حداکثر دوز  
 ۲-  $\text{C}_{\text{min}}$  → حداقل دوز  
 ۳-  $\text{C}_{\text{avg}}$  → دوز متوسط

✓ ۱.  $\frac{1}{x^2} = x^{-2}$   $\frac{d}{dx} x^{-2} = -2x^{-3} = -\frac{2}{x^3}$



دولت با استفاده از سیاست مالی می تواند ثبات امقار را برقرار نماید.



فخارج عسری و تنسم بندی ها

قنارت فخارج عسری و خفصرمی:

- ۱- اهداف مختلف
- ۲- اندیشه گیری
- ۳- افق زمانی کوتاه مدت و دراز مدت
- ۴- رابطه فخارج با درآمدها

خفصرمی  $\leftarrow$  درآمدها  $\leftarrow$  مخفین ارب

1.  $\frac{1}{x^2} = x^{-2}$   
 $\frac{d}{dx} x^{-2} = -2x^{-3} = -\frac{2}{x^3}$   
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^2} = -\frac{2}{x^3}$

انواع مخارج دولت :

تقسیم بندی براساس : مخارج عمومی ← دولت در اقتصاد کلان

امتیادی

اجتماعی

دفاعی

تقسیم بندی براساسی سازمانها و نهادها :

سازمان چهار وظیفه داری  
- وزارت نفت

درآمدها دولت :

به ۲ دسته عمده تقسیم می شود :

۱- درآمدهای مالیاتی

۲- درآمدهای غیر مالیاتی  
فروش اسباب دولتی  
تولیدات بنیاد های دولتی  
اعضانات  
کارمزد های دولتی  
فروش نفت و گاز

استقراض ← مردم ← اوراق قرضه

(مردم)  $Y = C + I + G$   
 مصرف داخلی  $C$   
 سرمایه گذاری  $I$   
 مخارج دولت  $G$   
 (خالص)  $Y = C + I + G$

مصرف داخلی  $C$   
 سرمایه گذاری  $I$   
 مخارج دولت  $G$

$B = \frac{C}{GDP}$   
 →  $B = \frac{C}{GDP}$   
 \*  $B = \frac{C}{GDP}$

$A = \frac{GDP}{C}$   
 درآمد دولت  $C$   
 GDP  
 \*  $A = \frac{GDP}{C}$

$G > T$   
 مخارج دولت  $G$   
 درآمد دولت  $T$   
 \*  $G > T$

مصرف داخلی  $C$

GDP: مجموع تولید ملی و خدمات مالی و غیره در یک سال  
 GDP



# Value Added Tax

Year: ... Month: ... Day: ... VAT = ...

Subject: ...

درآمد مالیاتی ← مالیات بر ارزش افزوده (VAT) %  
 غیر مالیاتی ← مالیات بر درآمد ← مالیات بر ارزش افزوده  
 مالیات بر ارزش افزوده ← مالیات بر ارزش افزوده  
 مالیات بر ارزش افزوده ← مالیات بر ارزش افزوده

معیاری که مالیات بر آن وضع می شود ← مالیات بر ارزش افزوده

خواهر یاد بزرگ:

مالیات بر درآمد  
 ① تخفیف در آمد افراد خاص برای دولت سخت است  
 ② تخفیف در درآمدش بیمه است  
 (مثلاً در سن بیمه خواننده، وقت بیمه می صرفه کرد)  
 ریف بیمه کارخانه هم می باشد که کارخانه و ...  
 و با بیمه مالیات بیمه می دهد ۱۱٪

درآمد

معدل ترین مالیاتی مالیاتی

دهه ۱۹۸۰ معروف به دهه اصلاح نظام مالیاتی است

↓

نظام مالیاتی موجود تا قبل از آن ۲ مدل داشت %

① درآمد مالیاتی و بعضی برای دولت موجود نمی بود

② (الف) فرضیه مالیاتی: حد اکثر مالیاتی است که دولت می تواند بگیرد تا به اصطلاح به اصطلاح  
 وجود مالیاتی

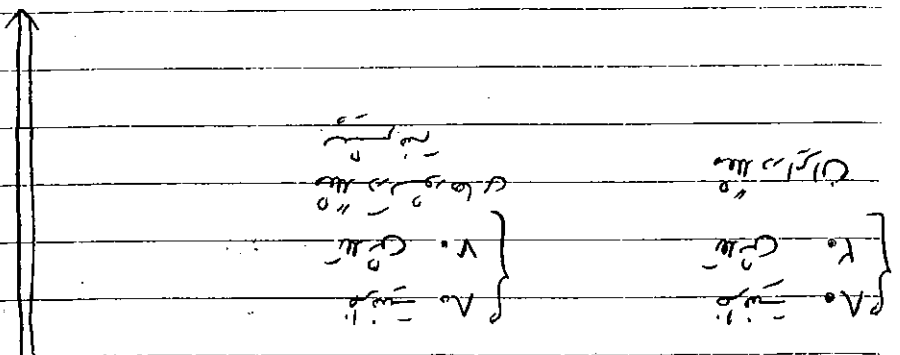
IRAN EMROOZ

③ (ب) فرضیه تلاش مالیاتی: همان مقدار مالیاتی است که دولت جمع آوری می کند

12/11/2019

وہی ہے جس نے ہمیں پیدا کیا اور جس نے ہمیں دیکھا ہے

১৯৩৭



⑤  $\frac{1}{x^2} = x^{-2}$

مالیات پرداخته } ۱- مالیات بر درآمد

۲- مالیات بر کالا

۳- مالیات بر ارزش

۴- مالیات بر واردات

۵- مالیات بر فروش

۶- مالیات بر ارزش افزوده

۷- مالیات بر رأی

۸- مالیات بر ضامن  
 (درآمد کالا - فروش - ارزش افزوده)  
 متن بر

درآمد های دولتی } مالیات

فروش منابع طبیعی

صادرات

کل درآمد مالیاتی به فقط عوارض است و به یارانه ها

دولت مربوط می دهد.

روزنامه ایران و روزنامه ایران

روزنامه ایران و روزنامه ایران

روزنامه ایران و روزنامه ایران

روزنامه ایران و روزنامه ایران

روزنامه ایران و روزنامه ایران

روزنامه ایران و روزنامه ایران

روزنامه ایران و روزنامه ایران

روزنامه ایران و روزنامه ایران

روزنامه ایران و روزنامه ایران

روزنامه ایران و روزنامه ایران

روزنامه ایران و روزنامه ایران

روزنامه ایران و روزنامه ایران

روزنامه ایران و روزنامه ایران

روزنامه ایران و روزنامه ایران

روزنامه ایران و روزنامه ایران

روزنامه ایران و روزنامه ایران

روزنامه ایران و روزنامه ایران

روزنامه ایران و روزنامه ایران

روزنامه ایران و روزنامه ایران

Subject

Year 95 Month 9 Day 28

آیا به نظر شما ایران نیازمند اصلاح نظام مالیاتی است؟ چرا؟  
سوال

- ۱- نارضایتی از وضع موجود یا نارضایتی از نظام مالیاتی.
- ۲- تفاوت زیاد بین ظرفیت مالیاتی و تلاش مالیاتی.
- ۳- بخش عمده و یا بخش دولتی در اقتصاد ایران بزرگ هم هزینه های زیاد دولت دارد  
پس باید دنبال درآمدهای دیگر باشد. اما فقط حدود ۶۰٪ هزینه های جاری دولت را  
درآمدهای مالیاتی می دهد یعنی ۴۰٪ هزینه های جاری و ۱۰٪ هزینه های جاری و  
پایانه های مانده است که با نفت و گاز (فروش) معادل و جبران می شود و  
مردان درآمدهای مالیاتی دولت با توجه به هزینه های زیاد آن بسیار پایین است.
- ۴- پول نفت کم در است. (عقلی است نفت روزگار تمام شود).
- ۵- دولت های ۸۱ و ۸۲ از تخصیص نفت به برافشانی شیر می گذارد.
- ۶- وجود سیم ها و فزانه های مالیاتی کم ترده

BRVYFVIBOZ

Year ..... Month ..... Day ..... Subject .....

می‌شود، افراد سعی می‌کنند به نحوی مالیات خود را به دیگران انتقال دهند. اما در اقتصاد اسلامی با توجه به اینکه پرداخت مالیات، وظیفه شرعی افراد تلقی می‌شود نه بار، به هیچ وجه مسئله انتقال مالیات به دیگران در اذهان مردم جای نمی‌گیرد.

۷-۲-۳ حداقل هزینه جمع‌آوری مالیات  
در اقتصاد اسلامی، در مقایسه با سایر نظامهای مالیاتی، چون افراد داوطلبانه به پرداخت مالیاتهای موظف اقدام می‌کنند، هزینه جمع‌آوری مالیات بسیار پایین است.

۷-۲-۴ تنوع و انعطاف‌پذیری مالیاتها  
در اقتصاد اسلامی انواع مختلف مالیاتها وجود دارند. به عبارت دیگر علاوه بر مالیاتهای ثابت و سرانه (مانند جریبه و فطریه)، مالیات بر درآمد به شکل تناسبی (خمس) و مالیات بر داراییهای مختلف (زکات و غیره) نیز وجود دارد که با توجه به وجود حد نصابهای مختلف می‌توان گفت برخی از این مالیاتها نیز از نوع تزیلی هستند. دو نظام مالیاتی خمس و زکات مکمل یکدیگرند؛ در برخی مواقع به علت وضعیت اقتصادی (هنگامی که کشاورزی نقش بیشتری دارد) ممکن است سهم زکات بیشتر شود و برعکس در وضعیت اقتصادی دیگر، ممکن است سهم خمس افزایش یابد (جامعه صنعتی). بنابراین در نظام مالیاتی اسلام انعطاف‌پذیری مشاهده می‌شود.

۷-۲-۵ تأمین مالی مخارج معین  
نظام مالیاتی اقتصاد اسلامی از نظر تأمین مالی مخارج، نقشی شبیه نقش عوارض در نظامهای مالیاتی دیگر ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، در نظامهای مختلف مالیاتی، تفاوت مالیات و عوارض این است که، مالیاتها به طور کلی به خزانه‌داری دولت واریز می‌شوند و دولت از طریق آن، مخارج مختلف خود را تأمین مالی می‌کند. در حالی که عوارض جمع‌آوری شده فقط باید در موارد و جاهای معین استفاده شوند. در اقتصاد اسلامی هر منبع مالیاتی جمع‌آوری شده باید به طور دقیق در موارد خاصی که تعیین شده است، صرف شود.

به طور کلی یک نظام مالیاتی مطلوب، نظامی است که از یک طرف منافع مالیات‌دهندگان و از طرف دیگر اهداف دولت را در نظر دارد. بنابراین از اصول پیشنهادی فوق می‌توان به منظور ارزیابی یک نظام مالیاتی و مقایسه آن با نظامهای مالیاتی دیگر استفاده کرد.

۷-۲-۲ مالیات در اقتصاد اسلامی و مشخصات آن  
با توجه به اهداف بسیار متنوع و گوناگون اقتصاد اسلامی، در مقایسه با مکتبهای دیگر، دولت به وجوه مختلفی جهت تأمین مالی مخارج خود نیاز دارد؛ بنابراین مالیاتهای اسلامی، به عنوان یکی از مهم‌ترین راههای تأمین مالی مخارج دولت، از اهمیت خاصی برخوردار است.

در این قسمت هدف اصلی ما تأکید بر رونوس و مشخصات مهم نظام مالیاتی اسلام در مقایسه با اصول مختلف نظامهای مالیاتی دیگر است.<sup>۱</sup> مهم‌ترین این اصول را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

۷-۲-۱ عبادی‌بودن و وظیفه تلقی کردن پرداخت مالیات  
در اقتصاد اسلامی با توجه به تأثیر جهانی اسلامی بر کردارهای اقتصادی افراد، پرداخت مالیات به هیچ وجه مانند نظامهای دیگر دباره تلقی نمی‌شود؛ بلکه پرداخت مالیات به عنوان یک وظیفه شرعی و عبادی موجب کمال انسان نیز می‌شود.

۷-۲-۲ عدم انتقال مالیات  
یکی از مهم‌ترین مسائل قابل طرح مالیات در اقتصاد بخش عمومی، موضوع انتقال مالیاتهاست. همان‌طور که در فصل قبل دیدیم، با توجه به اینکه مالیات بار تلقی

۱. برای اطلاع بیشتر درباره مالیاتهای اسلامی می‌توان به منابع و کتب فقهی مختلف مراجعه کرد، از جمله:

(الف) دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مالیاتهای اسلامی جزوه شماره ۹۴؛

(ب) تهرانی، علی؛ مالیاتهای اسلامی، کانون نشر کتاب، مشهد، آذر ۱۳۵۵.

۷-۱-۹ حداقل بار اضافی یکی دیگر از اصول مطلوب نظام مالیاتی این است که، این نظام باید آثار زیان‌بخش اقتصادی را به حداقل ممکن تقلیل دهد؛ یعنی نظام مالیاتی باید انحراف در تصمیمات اقتصادی را به حداقل ممکن برساند و از این طریق، موقعیت تحقق کارایی اقتصادی را فراهم سازد. یک نظام مالیاتی باید از تبعیضهای مختلف جلوگیری کند و باعث کاهش رفاه اقتصادی و آثار نامساعد بر انگیزه کار، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و غیره نشود.

۷-۱-۱۰ سازگاری با سایر اهداف اقتصادی یک نظام مالیاتی مطلوب باید بتواند با سایر اهداف دیگر مورد نظر اقتصاد سازگار باشد. برای مثال چنانچه رشد و ثبات اقتصادی (کنترل تورم و از میان‌بردن بی‌کاری) هدف باشد، نظام مالیاتی باید امکان استفاده از سیاست مالی مناسب برای دستیابی به این اهداف را ایجاد کند.

۷-۱-۱۱ ضمانت اجرایی یک نظام مالیاتی مطلوب از نظر اجرایی باید ضمانت اجرایی داشته باشد؛ بدین معنی که، یک نظام مالیاتی مطلوب مالیاتی را که جمع‌آوری آن ممکن نیست، وضع نمی‌کند.<sup>۱</sup> دیگر اینکه یک نظام مالیاتی باید دارای کادر اجرایی قوی، کارآمد و مورد قبول مردم باشد.

باید اضافه کرد، این اصول به طور کلی هر یک به تنهایی مطلوب‌اند، ولی گاهی ممکن است بین رعایت این اصول در یک نظام مالیاتی، تضاد و ناسازگاری به وجود آید. برای مثال، اجرای اصل عدالت با اصل یازدهمی مالیاتی ممکن است تناقض داشته باشد. بنابراین اولویت بین این اصول در تنظیم یک نظام مالیاتی، در نهایت بستگی به انتخاب دولت بین اهداف مختلف و اهمیت هر یک از آنها دارد.

۱. به عبارت دیگر باید حداقل تحصیل بار مالیات توسط افراد، بدون اینکه آثار نامساعد اقتصادی ایجاد شود (ظرفیت مالیاتی) در نظر گرفت.

با توسل به سیاست کسری بودجه، مجبور شود این کسری را از راههای دیگری که دارای آثار اقتصادی به مراتب نامساعدتر از مالیاتهاست تأمین کند.

۷-۱-۱۱ انعطاف‌پذیری یکی از اصول مهم دیگر یک نظام مالیاتی مطلوب، این است که این نظام باید بتواند از نظر اصلاحات و تغییرات احتمالی در مالیاتها، از انعطاف‌پذیری بالایی برخوردار باشد؛ یعنی بتوان بدون ایجاد اشکالات و تأثیرات شدید اقتصادی، در نظام مالیاتی تجدید نظر و اصلاحاتی انجام داد. علاوه بر این، نظام مالیاتی باید در شرایط مختلف اقتصادی نیز انعطاف‌پذیر باشد؛ یعنی این نظام بتواند در شرایط رونق اقتصادی، درآمد مالیاتی بیشتری کسب کند و در وضعیت رکود اقتصادی، بار کمتری بر افراد تحمیل کند و به صورت خودکار بتواند تا اندازه‌ای خود را با وضعیت اقتصادی مطابقت دهد.

۷-۱-۱۲ تنوع منبع مالیاتی در یک نظام مالیاتی مطلوب، لازم است مالیاتها از منابع مختلفی جمع‌آوری شوند. تنوع بیشتر مالیاتها باعث اطمینان و ثبات بیشتر درآمدهای مالیاتی دولت می‌شود و دولت می‌تواند با استحکام و قدرت بیشتری وظایف اقتصادی خود را انجام دهد. برای مثال، اگر مالیاتها از منابع گوناگونی جمع‌آوری شوند، نوسان فرضی یکی از این منابع، تأثیر چندانی در کل درآمدهای مالیاتی دولت نخواهد داشت. اما اگر درآمدهای مالیاتی دولت، یک یا دو منبع محدود باشد، با کوچک‌ترین تغییر در منبع مالیاتی، نوسان بسیار شدیدی در درآمدهای دولت به وجود خواهد آمد.

۷-۱-۱۸ اصل ساده و قابل فهم بودن مالیاتها یک نظام مالیاتی مطلوب، نباید نظامی پیچیده و مبهم باشد؛ یعنی کلیه قوانین و مقررات مربوط به مالیاتهای مختلف و دلایل پرداخت آن باید به زبان ساده و بدون ابهام بیان شود.



## ۷-۱-۴ صرفه‌جویی

منظور از اصل صرفه‌جویی در اصول مالیاتی این است که، در جمع‌آوری مالیات باید حداکثر صرفه‌جویی به عمل آید و هزینه جمع‌آوری آن به حداقل ممکن تقلیل یابد.<sup>۱</sup> اگرچه در اصول مالیاتی اسمیت، این اصل در اولویت پایین‌تری قرار می‌گیرد ولی باید توجه داشت، از نظر اقتصادی این موضوع یکی از مهم‌ترین مسائل یک نظام مالیاتی مطلوب است که باید به آن توجه شود. در سالهای اخیر، این موضوع که هزینه‌های جمع‌آوری مالیات، در مقایسه با درآمد مالیاتی در حد بالایی بوده است، به عنوان یکی از دلایل اصلاح نظامهای مالیاتی در کشورهای مختلف جهان تلقی شده است.

باید اضافه کرد اصول چهارگانه اسمیت، اصول اساسی یک نظام مالیاتی را تشکیل می‌دهند ولی امروزه به علت افزایش نقش دولت در اقتصاد و رشد بخش عمومی، چه در کشورهای در حال توسعه و چه در کشورهای پیشرفته، در تنظیم نظام مالیاتی مطلوب، باید به اصول جدید دیگری توجه شود. این اصول عبارت‌اند از:

## ۷-۱-۵ بازدهی مالیاتی

بر اساس این اصل، نظام مالیاتی باید بتواند مولد درآمد کافی برای دولت باشد. چنانچه دولت قادر نباشد از طریق مالیاتها، مخارج خود را تأمین کند، ممکن است

۱. منظور از هزینه جمع‌آوری مالیات، مجموع هزینه ایجاد شده برای دولت و مالیات‌دهندگان است. با توجه به اینکه این نوع هزینه‌ها، چیزی به تولید ملی کشور اضافه نمی‌کند، بنابراین برای جلوگیری از ضایعات و هدر رفتن منابع تولید، این نوع هزینه‌ها باید به حداقل ممکن تقلیل یابد.

۲. البته باید به این نکته بسیار مهم نیز توجه شود که قوانین و اصول یک نظام مالیاتی در کشورهای مختلف باید در خصوص وضعیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره این کشورها تنظیم شود. بنابراین مفهوم «ایدئال» و «خوب» بودن یک نظام، یک مفهوم ارزشی است که باید با توجه به خصوصیات هر کشور تفسیر شود. به عبارت دیگر یک نظام مالیاتی مطلوب برای کشورهای پیشرفته، ممکن است برای کشورهای در حال توسعه مطلوب نباشد. بنابراین، اصول مورد توجه در اینجا به عنوان شرایط لازم (و نه کافی) برای مطلوب بودن یک نظام مالیاتی از دیدگاه اقتصادی تلقی می‌شوند.

## ۷-۱-۱ عدالت و برابری

بر اساس این اصل، بایستی بار مالیات به صورت عادلانه بین مردم تقسیم شود و به توانایی پرداخت افراد نیز توجه داشته باشیم. اسمیت، مالیات تناسبی را یک مالیات عادلانه تلقی می‌کند، اگرچه در اصول مالیاتی جدید، برای اینکه مالیات بتواند در کاهش نابرابری درآمد نقش مهمی ایفا کند باید به صورت تصاعدی باشد. همچنین در خصوص مبنای توانایی پرداخت، برخی از اقتصاددانان دیگر مانند کلدور<sup>۲</sup> معتقدند به منظور رسیدن به عدالت در توانایی و قدرت پرداخت مالیات، به جای درآمد افراد مبنای مالیات باید بر اساس مخارج آنها، اندازه‌گیری شود.

## ۷-۱-۲ معین بودن

از نظر اسمیت، مالیات وضع شده بر اشخاص و غیره باید دقیقاً از نظر زمان و نحوه پرداخت و میزان مالیات، معین و مشخص باشد. به عبارت دیگر، افراد و به خصوص مالیات‌دهندگان باید در خصوص مالیات پرداختی خود با سردرگمی مواجه نشوند. برای مثال عمل سرمایه‌گذاری در حالت عادی، یک عمل ریسکی تلقی می‌شود. حال چنانچه میزان مالیات بر عواید ناشی از سرمایه‌گذاری مشخص نباشد، سرمایه‌گذاری ممکن است با کاهش مواجه شود.

## ۷-۱-۳ سهولت

یکی از اصول مهم اجرای نظام مالیاتی، کسب رضایت نسبی افراد و تسهیلات مختلف برای پرداخت آن است. برای مثال، زمان و نحوه پرداخت باید به گونه‌ای باشد که فشار و مشکلی بر مالیات‌دهندگان وارد نکند، زیرا عدم تسهیلات پرداختی موجب فرار مالیاتی می‌شود. بنابراین برای کسب رضایت مالیات‌دهندگان، گاهی مالیات بر درآمد، هنگام وصول درآمد و زمانی به صورت اقساطی اخذ می‌شود تا رضایت مالیات‌دهندگان جلب شود.

پیگوت و والی<sup>۱</sup> در سال ۱۹۸۵ اشاره کرد مزیت مهم چنین الگوهایی این است که آنها قادرند بر اساس روشهای ریاضی به نسبت پیشرفته‌ای، وضعیت تعادل عمومی را در وضعیتی که بیش از دو بخش و انواع مالیاتهای مختلف نیز وجود دارند، تجزیه و تحلیل کنند.

البته باید توجه داشت، الگوهایی از نوع بالا یا الگوی داده‌ها گرفته‌ها که ارتباط بین بخشهای متعدد موجود اقتصاد را با یکدیگر بررسی می‌کنند و از این طریق قادرند تأثیر سیاستهای مالی را در بخشهای مختلف تجزیه و تحلیل کنند، الگوهایی ایستا هستند. به عبارت دیگر با آنکه زمان مورد نیاز رسیدن به وضعیت تعادل به نسبت طولانی است، اغلب الگوهای تعادل عمومی به عناصر و متغیرهای پویا توجهی نکرده‌اند.

## فصل هفتم

### نقش مالیات در الگوهای مختلف اقتصادی

در فصل قبلی این کتاب، با آثار اقتصادی قابل توجه مالیاتها آشنا شدیم. این آثار که ممکن است مثبت (مساعد) یا منفی (نامساعد) باشند، باید در تدوین و تنظیم اصول یک نظام مالیاتی به دقت مورد توجه قرار گیرند.

در این فصل ابتدا به بررسی مشخصات و خصوصیات یک نظام مالیاتی خوب و مطلوب می‌پردازیم، سپس به طور اختصار، نقش مالیاتها را در اقتصاد اسلامی، اقتصاد کثرتی و اقتصاد طرفدار عرضه<sup>۲</sup>، به ترتیب مورد بحث قرار خواهیم داد.

#### ۷-۱ مشخصات و خصوصیات یک نظام مالیاتی

با توجه به انواع مختلف مالیاتها و آثار گوناگون اقتصادی آنها، یک نظام مالیاتی مطلوب، نظامی است که دارای بیشترین آثار اقتصادی مطلوب و مساعد است. آدام اسمیت<sup>۳</sup> اقتصاددان معروف آثار اقتصادی مطلوب و مساعد اصل عمده را به عنوان اصول یک نظام مالیاتی مطلوب بیان داشته است، که عبارت‌اند از:

۱. supply-side economics

۲. البته همان‌طور که خواهیم دید، این اصول در اقتصاد اسلامی، چندین قرن قبل از اسمیت به شکل کامل تری بیان شده است.

جدول ۱-۳ بررسی درآمدهای مالیاتی، نقشی، تولید ملی، مخارج جاری و عمرانی دولت (به میلیارد ریال) ۱۳۸۳-۱۳۵۷

سال	درآمدهای مالیاتی (ت)	نقشی (OR)	تولید ملی (GDP)	مخارج جاری (C1)	مخارج عمرانی (C2)
۱۳۵۷	۴۶۵/۹	۱۰۱۳/۲	۲۱۹۱۹۱	۱۳۸۷/۱	۶۵۷/۱
۱۳۵۸	۳۶۸/۳	۱۲۱۹/۷	۲۰۹۹۱۹	۱۴۸۴/۹	۵۲۳/۳
۱۳۵۹	۳۴۰/۴	۸۸۸/۸	۱۷۸۱۴۹	۱۶۸۱/۲	۵۶۸/۱
۱۳۶۰	۵۵۴/۱	۱۰۵۶/۴	۱۷۰۲۸۱	۲۰۳۲/۴	۶۷۶/۷
۱۳۶۱	۶۱۳/۹	۱۶۸۹/۵	۱۹۱۶۶۷	۲۵۵۱/۵	۹۱۴/۸
۱۳۶۲	۷۹۶/۵	۱۷۷۹/۴	۲۱۲۸۷۶	۲۵۲۳/۱	۱۱۴۸/۵
۱۳۶۳	۸۹۸/۷	۱۳۷۳/۲	۲۰۸۵۱۶	۲۴۷۵/۶	۸۷۸
۱۳۶۴	۱۰۳۳/۷	۱۱۸۸/۷	۲۱۲۴۸۶	۲۵۷۱/۹	۷۷۸/۸
۱۳۶۵	۱۰۲۴/۶	۶۱۶/۸	۱۹۳۳۵۰	۲۴۱۰/۳	۷۴۶/۵
۱۳۶۶	۱۰۳۰/۲	۷۶۶/۲	۱۹۱۳۱۲	۲۹۱۱/۴	۷۲۹/۲
۱۳۶۷	۹۸۶/۵	۶۶۷/۹	۱۸۰۸۲۳	۳۲۹۴/۲	۸۱۶/۴
۱۳۶۸	۱۱۸۷/۹	۷۷۰/۸	۱۹۱۵۰۳	۳۳۸۵/۲	۹۳۱/۵
۱۳۶۹	۱۶۹۵	۱۱۱۸/۳	۲۱۸۵۳۹	۴۲۸۴/۸	۱۷۶۶/۳
۱۳۷۰	۲۷۶۵	۱۰۳۸/۷	۲۴۵۰۳۶	۵۵۸۴	۲۵۳۷/۹
۱۳۷۱	۳۷۷۲/۴	۵۱۴۱/۳	۲۵۸۱۲۳	۷۷۸۳/۶	۳۱۹۲/۸
۱۳۷۲	۴۰۶۱/۳	۱۴۶۸/۲	۲۵۸۶۰۱	۱۳۶۵۵	۷۲۲۲
۱۳۷۳	۵۴۹۱	۲۱۴۸۰	۲۵۹۸۷۶	۲۰۰۱۰	۹۵۸۳/۷
۱۳۷۴	۷۳۱۳	۲۹۴۳۱	۲۶۷۵۳۴	۲۸۷۸/۳	۱۳۱۷۲/۷
۱۳۷۵	۱۲۵۶۰	۳۸۱۵۳	۲۸۲۸۰۷	۳۷۸۰۴	۲۰۰۷۳/۵
۱۳۷۶	۱۷۳۴۴/۶	۳۶۴۴۶/۶	۲۹۱۷۶۹	۴۴۹۶۷	۲۰۴۷۱
۱۳۷۷	۱۸۶۸۶/۶	۳۸۱۹۰	۳۰۰۱۴۰	۵۲۵۵۵/۷	۱۷۴۲۴/۷
۱۳۷۸	۲۵۸۳۱/۴	۴۴۸۷/۶	۳۰۴۹۴۱	۶۸۲۱۹/۳	۲۵۰۳۲/۶
۱۳۷۹	۳۲۸۴۲	۵۹۴۴۹	۳۲۰۰۶۹	۸۲۶۰۵/۸	۲۵۷۱۰/۲
۱۳۸۰	۴۵۳۸۸/۶	۶۸۸۰۸/۴	۳۳۰۵۶۵	۱۰۰۹۱۸/۲	۲۷۸۴۱/۴
۱۳۸۱	۵۰۶۰۲	۱۰۱۳۷۶/۴	۳۵۵۵۰	۱۴۸۲۸۹	۳۷۱۲۱/۵
۱۳۸۲	۶۵۰۹۹	۱۲۸۱۵۳/۸	۳۷۹۰۱۰	۱۷۸۲۵۵/۲	۶۰۸۸۲/۹
۱۳۸۳	۸۴۴۲۱/۱	۱۵۰۴۱۳/۳	۳۹۷۳۰۴	۲۳۱۹۳۲/۱	۶۴۴۳۰/۱

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی (۱۳۸۳).

یک طرف، و همچنین کافی نبودن درآمدهای غیر مالیاتی از طرف دیگر، باعث شده است دولت در سالهای مختلف با کسری بودجه مواجه شود که وجود این کسری بودجه در درازمدت و استقراض از بانک مرکزی جهت تأمین این کسری، یکی از دلایل تشدید تورم در اقتصاد ایران تلقی می‌شود.<sup>۱</sup>

بنابراین، ضرورت اصلاح و تجدید نظر در نظام مالیاتی کشور امری اجتناب‌ناپذیر است؛ استفاده از سیستم مالیات بر ارزش افزوده که اخیراً در اقتصاد ایران مطرح شده است، می‌تواند یک ابزار مالی مناسب در بالا بردن نقش و سهم مالیاتها در تأمین مالی دولت تلقی شود.<sup>۲</sup>

۱. میزان مالیاتها آن قدر ناچیز است که حتی نمی‌تواند هزینه‌های مصرفی دولت (مخارج جاری) را تأمین کند؛ برای مثال نسبت مالیاتها به مخارج جاری در سال ۱۳۵۷-۱۳۶۵ به ترتیب ۳۷، ۳۰، ۲۴، ۳۳، ۳۳، ۴۲، ۴۲ و ۴۳ درصد بوده است؛ به عبارت دیگر، در فاصله سالهای فوق به طور متوسط مالیاتها فقط توانسته است رقتی در حدود  $\frac{1}{3}$  مخارج جاری دولت را تأمین کند.

۲. ماده ۲ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی کشور:

به منظور برقراری انضباط مالی و بودجه‌ای در طی سالهای برنامه:

الف) دولت مکلف است سهم اعتبارات هزینه‌ای تأمین شده از محل درآمدهای غیر نقشی

دولت را به گره‌نای افزایش دهد که تا پایان برنامه چهارم، اعتبارات هزینه‌ای دولت به‌طور

کامل از طریق درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای غیر نقشی تأمین گردد.

ب) تأمین کسری بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و

سیستم بانکی ممنوع می‌باشد.

برای اندازه گیری در اقتصاد بخش عمومی معیارهای مختلفی وجود دارد که برای نمونه می توان از نسبت مخارج دولت یا نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی، یاد کرد؛ البته همان طور که مشاهده شد در کشورهای توسعه یافته، استفاده از هر یک از این دو معیار برای تبیین اهمیت بخش عمومی، تقریباً نتایج یکسانی به بار می آورد، ولی در کشورهای مانند ایران، اغلب نتایج این دو معیار متفاوت است. استفاده از نسبت مالیاتها به تولید ناخالص داخلی، به عنوان معیاری برای اندازه گیری بخش عمومی در اقتصاد ایران، صحیح نیست و نتیجه گمراه کننده ای به وجود خواهد آورد؛ به عبارت دیگر چنانچه از این نسبت برای بررسی سهم بخش عمومی در اقتصاد ایران استفاده شود، اندازه این بخش بسیار ناچیز جلوه خواهد کرد؛ در حالی که بخش عمومی در اقتصاد ایران مثل دیگر کشورهای توسعه یافته، سهم قابل توجهی دارد، پس معیار نسبت کل مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی، معیار مناسب تری خواهد بود.

در کشورهای نفت خیز یا صادر کننده نفت و به خصوص کشور ما به دلیل وابستگی مستقیم و غیر مستقیم تولیدات به نفت، سهم نفت در تولید ناخالص داخلی بالاست و نسبت به کشورهای دیگر سهم مالیات نسبت به تولید ملی کمتر است و این مسئله به بزرگ تر شدن حجم و ابعاد دولت کمک کرده است. این امر باعث شده که درآمدهای مالیاتی دولت آن چنان که ضرورت دارد زیاد نباشد و از طرفی مشکلات ناشی از معافیه های مالیاتی وجود بخش عظیم اقتصاد زیرزمینی در کشور به نوعی باعث کاهش شدید درآمدهای مالیاتی دولت شده است. بالا بودن نسبت کل درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی، نشان دهنده کارایی نظام مالیاتی کشور است. این رقم در اقتصاد ایران همواره در سطحی پایین قرار داشته و نه فقط هیچ گاه از ۱۰ درصد فراتر نرفته بلکه در اکثر مواقع سیر نزولی نیز داشته است.

از ویژگیهای دیگر اقتصاد بخش عمومی ایران که از اطلاعات آماری به دست می آید، این است که پایین بودن مالیاتها در تأمین مالی مخارج دولت از

دیگر، میزان این درآمدها به خرید یا عدم خرید تولیدات و خدمات مختلف ارائه شده دولت از طرف مردم بستگی دارد. بنابراین، چنین درآمدهایی اغلب نامنظم و تا اندازه ای نامطمئن است. در اینجا به برخی از این نوع درآمدها اشاره می کنیم:

(الف) سود ناشی از انحصارات دولت، مانند: نفت، راه آهن، برق و تلفن.

(ب) کارمزد برای خدمات گوناگونی، مانند: عوارضها، که توسط سازمانهای

دولتی ارائه می شود.

(ج) درآمدهای ناشی از املاک عمومی، فروش یا اجاره.

(د) وام و استقراض از مردم یا مقامات پولی (انتشار پول).

چنانچه درآمدهای مالیاتی برای تأمین مخارج مالی دولت کافی نباشد، لازم است درآمدهای غیر مالیاتی، این کسری را تأمین کند. نکته حائز اهمیت و قابل توجه این است که آثار اقتصادی انواع درآمدهای غیر مالیاتی در تأمین مخارج مالی دولت، کاملاً با یکدیگر تفاوت دارند؛ برای مثال، چنانچه درآمدهای مالیاتی برای تأمین مخارج مالی دولت کافی نباشد و سایر درآمدهای ناشی از فعالیتهای اقتصادی نتوانند این کمبود را جبران کنند، دولت مجبور است از مقامات پولی (بانک مرکزی) استقراض کند. این استقراض که باعث بالا رفتن حجم نقدینگی در جامعه می شود، آثار ناساعدی از جمله تشدید تورم اقتصادی به همراه دارد.

#### ۱-۵ روند درآمدها و مخارج عمومی دولت در اقتصاد ایران

با استفاده از اطلاعات مربوط به درآمدهای عمومی و مخارج دولت و سهم آنها در تولید ناخالص داخلی که در جدولهای ۱-۳ و ۱-۴ آمده است، می توان نقش مخارج و درآمدهای مختلف دولت در اقتصاد ایران را طی سالهای ۱۳۵۷-۱۳۸۳ تجزیه و تحلیل کرد. طبق ارقام این جدولها سهم مالیاتها در تولید ناخالص داخلی رقم بسیار ناچیزی را تشکیل داده است.

سهم درآمدهای مالیاتی برخی از کشورهای توسعه یافته و عضو اوپک در سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ در جدول ۱-۲ نشان داده می شود.

جدول ۱-۲ مقایسه متوسط نسبت کل درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی برخی از کشورهای توسعه یافته و کشورهای منتخب عضو اوپک در سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ (سهم به درصد)

کشورهای توسعه یافته		کشورهای عضو اوپک	
کشور	نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی	کشور	نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی
ایالات متحده	۱۸/۲	اندونزی	۱۴/۵
انگلستان	۳۳/۱	ایران	۹/۵
فرانسه	۳۷/۵	کویت	۱/۳
آلمان	۲۶/۵	امارات متحده عربی	۱/۲
ایتالیا	۳۸/۹	ونزوئلا	۱۴/۹
کانادا	۱۹		
ژاپن	۱۶/۶		

Source: World Bank (2004).

طبق ارقام جدول ۱-۲ نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی کشورهای توسعه یافته فوق به طور متوسط بیشتر از کشورهای عضو اوپک بوده است. در حقیقت انکای کشورهای عضو اوپک به درآمدهای نفتی، نقش مالیاتها را در تأمین مالی دولت در این کشورها کم رنگ کرده است.

#### ۱-۴-۲ درآمدهای غیر مالیاتی

درآمدهای غیر مالیاتی، وجوهی است که دولت از فعالیتهای اقتصادی خود جمع آوری می کند. این درآمدها به شکل درآمدهای ناشی از سرمایه گذاریهای مختلف است، یا دریافت کارمزدی است که دولت از خدمات گوناگون خود دریافت می کند. از ویژگیهای چنین درآمدهای - برخلاف درآمدهای مالیاتی که پرداخت آن از طرف مردم اجباری دارد - اختیاری بودن آن است. به عبارت

#### ۱-۴-۱ درآمدهای مالیاتی

یکی از مهم ترین راههای تأمین مخارج دولت، جمع آوری مالیاتهاست. به عبارت دیگر، با توجه به مقایسه این منبع مهم تأمین مالی با سایر منابع، می توان گفت، هر چه سهم مالیاتها در تأمین مخارج دولت بیشتر باشد، از آثار نامطلوب اقتصادی کاسته می شود. در کشورهای پیشرفته برخلاف کشورهای در حال توسعه - که مالیاتها نقش ناچیزی دارند - تقریباً تمامی مخارج دولت از این طریق تأمین می شود.

جدول ۱-۱ سهم مخارج و درآمدهای مالیاتی در تولید ناخالص داخلی چند کشور توسعه یافته در سال ۲۰۰۰ نشان می دهد:

کشور	سهم کل مخارج دولت در تولید ناخالص داخلی	
	مخارج داخلی	تولید ناخالص داخلی
ایالات متحده	۲۰/۲	۱۵
انگلستان	۳۴	۱۸/۷
فرانسه	۳۷/۷	۲۳/۲
آلمان	۲۶/۶	۱۹
ایتالیا	۳۸/۵	۱۸/۲
کانادا	۱۹/۸	۱۸/۶
ژاپن	۱۶/۶	۱۶/۷

Source: World Bank (2004).

با توجه به جدول ۱-۱ از مقایسه سهم مخارج و سهم مالیات در تولید ناخالص داخلی کشورهای فوق می توان نتیجه گرفت که نظام مالیاتی این کشورها مخارج دولتهای فوق را به طور کامل پوشش داده است، در حالی که چنین وضعیتی در کشورهای در حال توسعه (به ویژه کشورهای اوپک) مشاهده نمی شود.

به منظور بررسی اهمیت سهم و نقش مالیاتها در درآمدهای دولت، متوسط

۱-۳-۲ انواع تقسیم‌بندی مخارج عمومی  
 ۱-۳-۲-۱ تقسیم‌بندی بر اساس وظایف دولت  
 و آدام اسمیت مخارج عمومی را بر مبنای وظایف دولت، چنین تقسیم‌بندی می‌کند. وی معتقد است دولت باید چهار وظیفه مهم را انجام دهد؛ این وظایف عبارت‌اند از: (۱) اجرای نظم و قانون؛ (۲) عدالت؛ (۳) ایجاد تسهیلات عمومی؛ (۴) حاکمیت. بنابراین مخارج عمومی باید بر مبنای این وظایف مختلف تقسیم‌بندی شود. یکی از مزایای عمده این نوع تقسیم‌بندی این است که، می‌توان مخارج عمومی را در کشورهای مختلف با یکدیگر مقایسه کرد. امروزه برای دولتها وظایف بسیار متعددی پیش‌بینی شده است، به طوری که تقسیم‌بندی مخارج عمومی بر اساس نظریه آدام اسمیت مشکلات فراوانی را به دنبال داشته است.

۱-۳-۲-۲ تقسیم‌بندی بر اساس سازمانهای مختلف  
 دولت مسئولیت اداره سازمانهای مختلف را بر عهده دارد. وزارت کشاورزی، دفاع، دارایی، و کار از جمله این سازمانها هستند. بر اساس این تقسیم‌بندی، مخارج مربوط به این سازمانها به صورت جداگانه بررسی می‌شود. البته این نوع تقسیم‌بندی با مشکلاتی نیز مواجه است، از جمله مخارجی که به طور هم‌زمان و مشترک مربوط به دو سازمان می‌شود و نمی‌توان به سادگی مخارج هر یک از این دو را جداگانه محاسبه کرد.

۱-۳-۲-۳ تقسیم‌بندی بر اساس مخارج اجباری و اختیاری  
 این نوع تقسیم‌بندی بر پایه طبیعت مخارج (اجباری یا اختیاری بودن) استوار است، برای مثال، مخارج مربوط به امور دفاعی، دادگاهها، سیستم قانون‌گذاری و پلیس، اجباری است، در حالی که مخارج مربوط به سیستم تأمین اجتماعی (بازنشستگی، بیمه بهداشتی و غیره) اختیاری است. به این روش، تقسیم‌بندی اولیه و ثانویه مخارج عمومی نیز گفته می‌شود. نکته قابل توجه این است که امروزه برخی از مخارج

اختیاری به دلیل اهمیت آن، نوعی مخارج اجباری تلقی شده‌اند. با توجه به اینکه از نظر اسلام بر اساس حدیث «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» رسیدگی به امور معیشت مردم در دوران کهنولت و از کار افتادگی، و نیز رسیدگی به امور مالی افراد درمانده از قبیل: نابینایان، و معلولان بر عهده دولت اسلامی است، بنابراین مخارج مربوط به سیستم تأمین اجتماعی، جزء مخارج اجباری است.

۱-۳-۲-۴ تقسیم‌بندی بر اساس انتقالی و غیرانتقالی  
 «پیگو»<sup>۱</sup> مخارج عمومی را بر این اساس که آیا این مخارج، مربوط به استفاده کالا و خدمات می‌شود یا نه، تقسیم‌بندی کرده است. هنگامی که مخارج عمومی شامل خرید کالاها و خدمات شود، به مخارج عمومی، غیرانتقالی می‌گویند و چنانچه به استفاده و خرید کالا و خدمات ربطی نداشته باشد، انتقالی نام دارد. پرداخت برای خرید مواد خام، مخارج دفاعی، مزد و حقوق کارمندان، تعلیم و تربیت و غیره، در گروه مخارج غیرانتقالی قرار می‌گیرند در حالی که مخارج مربوط به بازنشستگی، بیمه درمانی، سوسپندهای مختلف و غیره، به عنوان مخارج انتقالی تلقی می‌شوند.

۱-۴ درآمدهای دولت و تقسیم‌بندی آن  
 همان‌طور که اشاره شد امروزه در تمامی کشورها، برای دولتها وظایف اقتصادی و گوناگونی پیش‌بینی شده است که برای انجام دادن این وظایف، مجبورند مخارج و هزینه‌های بسیار سنگینی را متحمل شوند. بنابراین، برای تأمین مالی این مخارج، دولتها از راههای مختلف، درآمدهای گوناگونی جمع‌آوری می‌کنند. درآمدهای دولت را می‌توان به دو گروه کلی زیر تقسیم کرد:

۱. درآمدهای مالیاتی؛
۲. درآمدهای غیر مالیاتی.

حقوق پرداختی کارکنان دولت است که می‌تواند در خصوص وظیفه نبات اقتصادی دولت نقش قابل توجهی ایفا کند.

مخارج سرمایه‌ای یا سرمایه‌گذاری دولت، در حقیقت مخارجی است که در آینده کسب درآمد می‌کند. به عبارت دیگر لازم است دولت برای انجام وظایف و مسئولیت‌های اقتصادی، هزینه‌های گوناگونی را - برای سرمایه‌گذاری به نحوی که در آینده به درآمدهای مستقیم و غیر مستقیم بینجامد - متحمل شود. این سرمایه‌گذاریها شامل ماشین‌آلات، ساختمانها، پروژه‌های تحقیقاتی و طرح‌های مختلف عمرانی و غیره می‌شود که اغلب منافع ناشی از آنها در آینده قابل حصول است.

مخارج انتقالی، مخارجی است که به تولید کالا یا عرضه خدمات ارتباط ندارد بلکه به صورت یک طرفه از جانب دولت به افراد و واحدهای مختلف پرداخت می‌شود. کمک‌های بلاعوض و سوسیدهای گوناگون در این گروه قرار می‌گیرند. البته این نوع مخارج در تولید ناخالص ملی منظور نمی‌شوند، ولی در محاسبه درآمد قابل تصرف افراد به حساب می‌آیند و به همین دلیل چنانچه این نوع پرداختها افزایش یابند، یکی از آثار فوری آن، افزایش مصرف در جامعه است. مخارج انتقالی و سیاستهای مختلف مربوط به آن، می‌تواند دولت را در وظیفه توزیع درآمد کمک کند.

با توجه به خصوصیتی که ذکر شد، یادآوری این نکته ضروری است که از نظر اقتصادی آثار تغییرات انواع مختلف مخارج دولت، یکسان نیست. چنانچه مخارج جاری دولت افزایش یابد، این وضعیت باعث افزایش فوری در تقاضای کل جامعه می‌شود بدون اینکه بتواند در طرف عرضه تأثیر گذارد. از طرف دیگر، افزایش مخارج سرمایه‌ای، در حالی که افزایش در تقاضای کل به وجود می‌آورد، دارای عایدی و بازدهی در آینده خواهد بود، و در تغییر عرضه کل در اقتصاد مؤثر واقع خواهد شد. صرف نظر از تقسیم‌بندی فوق، می‌توان مخارج عمومی را به شیوه‌های زیر تقسیم کرد:<sup>۱</sup>

۱. ر. ک.: Mankur, V. G., Sudasivan, C. R., Kulkarni, C. Y., and Shuh, J. H. *Public Finance Foreign Trade and Development*, Himalaya Publishing House, Bombay, 1982, pp. 193-197.

مخارج خصوصی قابل محاسبه و اندازه‌گیری است، در حالی که در مخارج عمومی همواره چنین وضعیتی صادق نیست. به عبارت دیگر، منافع اجتماعی ناشی از مخارج عمومی را نمی‌توان به طور مستقیم ارزیابی کرد.

### ج) افق زمانی کوتاهمدت و درازمدت

تفاوت دیگر مخارج خصوصی و عمومی این است که برنامه‌ها، تصمیم‌گیرها و طرح‌های مربوط به مخارج خصوصی، بر اساس یک افق زمانی کوتاهمدت قابل پیش‌بینی است، در حالی که مخارج عمومی به طور کلی بر مبنای یک افق زمانی درازمدت برنامه‌ریزی می‌شود.

### د) رابطه مخارج با درآمدها

در مالیه خصوصی، مخارج، خود را با درآمدها تطبیق می‌دهد، یعنی در نظر گرفتن میزان مخارج به میزان درآمد قابل پیش‌بینی بستگی دارد. محدودیت درآمد باعث می‌شود که واحدهای خصوصی نتوانند بیش از درآمد خود مخارجی داشته باشند. در حالی که در خصوص مخارج عمومی، این تطابق در جهت عکس مشاهده می‌شود، یعنی ابتدا مخارج عمومی دولت اندازه‌گیری می‌شود و درآمدهای عمومی دولت باید خود را با میزان مخارج تطبیق دهند. به عبارت دیگر، دولت می‌تواند برای تأمین مخارج عمومی خود، منابع مالی خویش را به اندازه کافی از طریق مالیاتها، انتشار پول، استقراض و غیره افزایش دهد.

در اقتصاد بخش عمومی، تقسیم‌بندی مخارج عمومی به شیوه‌های گوناگون صورت گرفته است. بر اساس یکی از این روشها می‌توان آن را به این سه گروه تقسیم کرد: ۱) مخارج جاری؛ ۲) مخارج سرمایه‌ای؛ ۳) مخارج انتقالی.

مجموع مخارج جاری و سرمایه‌ای دولت را در اصطلاح، خریدهای دولت می‌نامند. مخارج جاری دولت در حقیقت مخارجی است که به طور کلی در زمان جاری منافع ایجاد می‌کند. این نوع مخارج، منافع مستقیمی در آینده ندارد، و می‌توان آنها را مخارج مصرفی دولت تلقی کرد. از جمله این نوع مخارج، مزد و

ندارد، و مالیات و مخارج عمومی دولت می‌تواند به منظور افزایش حجم و نرخ پس‌انداز جامعه، مورد استفاده قرار گیرد. چنانچه مالیات بر درآمد ناشی از بهره، کاهش یابد، انگیزه پس‌انداز افزایش می‌یابد و از این طریق منابع مالی به منظور سرمایه‌گذاری تجهیز می‌شود.

### ۱-۳ مخارج عمومی و تقسیم‌بندی آن

مخارج عمومی در اقتصاد بخش عمومی، شامل کلیه مخارج دولت در خصوص فعالیتهای، در سطوح مختلف (مرکزی، ایالتی، محلی) می‌شود.

بین مخارج عمومی و خصوصی تفاوتها و شباهتهایی مشاهده می‌شود؛ برای مثال، هدف یک واحد اقتصادی در بخش خصوصی یا عمومی این است که پول را به‌همراه مصرف نکنند، مقامات خصوصی و عمومی یک واحد اقتصادی سعی می‌کنند با حداقل هزینه ممکن، به اهداف مورد نظر خود برسند. از دیگر شباهتهای مخارج خصوصی و عمومی، این است که هر دو به اصل حداکثر رسانیدن بازدهی در مخارج مختلف توجه دارند. با وجود شباهتهای مخارج عمومی و خصوصی در موارد زیر تفاوتهایی وجود دارد.

#### ۱-۳-۱ تفاوت مخارج عمومی و خصوصی

الف) اهداف مختلف

اهداف مورد نظر مخارج خصوصی بسیار محدود است، در حالی که اهداف مورد نظر مخارج عمومی دامنه بسیار وسیعی دارد؛ برای مثال، هدف یک واحد تجاری، به حداکثر رساندن سود فردی است، در حالی که هدف اصلی مخارج عمومی، به حداکثر رساندن منافع اجتماعی است؛ پس هدف اصلی در مورد مخارج عمومی دولت، رفاه اجتماعی است.

#### ب) اندازه‌گیری

یکی دیگر از تفاوتهای مخارج خصوصی و عمومی این است که منافع ناشی از

رکود، می‌تواند مشکل بی‌کاری را کاهش دهد؛ برای مثال، کاهش مالیاتها و افزایش مخارج عمومی، به ویژه سرمایه‌گذاریهای زیربنایی، انگیزه مناسبی برای سرمایه‌گذاری خصوصی است و به نوبه خود، باعث افزایش اشتغال می‌شود.

### ۱-۳-۴ ایجاد عدالت

توزیع نابرابر درآمد ملی و ثروت، مشکلات بسیاری از جمله مشکلات اقتصادی و اجتماعی در جامعه به وجود می‌آورد. مالیه عمومی و سیاستهای مالی دولت مطمئناً می‌تواند در کاهش نابرابری درآمد، بین ثروتمندان و فقیران سهم قابل توجهی داشته باشد. به عبارت دیگر، دولت می‌تواند به نحوی توزیع مجدد درآمدها را تنظیم کند که باعث افزایش درآمد فقرا و تعدیل درآمد ثروتمندان شود و فاصله طبقاتی بین گروههای مختلف را - از نظر درآمد - کاهش دهد. مالیات بر درآمد تصاعدی و مالیات با نرخ بالا بر سود شرکتها، می‌تواند، سیاست مناسبی تلقی شود. از طرف دیگر، چنانچه مخارج انتقالی دولت مثل، سوبسیدها، کمکهای بلاعوض و تسهیلات مالی برای افراد کم‌درآمد افزایش یابد، در کاهش فاصله طبقاتی مؤثر خواهد بود.

### ۱-۳-۵ تخصیص مجدد منابع

اقتصاد بخش عمومی و فعالیتهای دولت می‌تواند توزیع منابع بین صنایع مختلف را تحت تأثیر قرار دهد و منابع اقتصادی را از صنایع و فعالیتهای مضر، تولید کالاهای لوکس، به طرف فعالیتهای سودآور و اساسی سوق دهد. چنانچه بر تولید و مصرف کالاهای غیراساسی و لوکس، مالیات وضع شود، تقاضا و تولید این کالاهای کاهش خواهد یافت.

### ۱-۳-۶ تجهیز منابع مالی

فعالتهای مالی دولت می‌تواند نرخ تجهیز منابع مالی را در ایجاد سرمایه‌گذاری افزایش دهد. در کشورهای توسعه‌یافته، نسبت پس‌انداز به درآمد ملی، در سطح بسیار پایین قرار دارد؛ زیرا در این کشورها منابع لازم جهت سرمایه‌گذاری وجود



در زمینه‌های ساختمان، ماشین‌آلات و غیره می‌تواند موقعیت لازم را در ایجاد رشد سریع اقتصادی فراهم سازد. همچنین مخارج عمومی صنایعی که آثار جانبی فراوان دارند، به نوبه خود نرخ تشکیل سرمایه را افزایش می‌دهد.

تجربه نشان داده است که بهبود کیفیت نیروی انسانی، می‌تواند در افزایش نرخ رشد و توسعه اقتصادی یک کشور تأثیر مثبت داشته باشد. مخارج عمومی که به نحوی به مسائلی از قبیل بهداشت عمومی، تعلیم و تربیت، و کارآموزی ارتباط دارند، کیفیت نیروی انسانی را بهبود می‌بخشد و رشد و کارایی اقتصادی را افزایش می‌دهند.

۱۲-۲ ثبات اقتصادی  
فعالیت‌های مالی دولت می‌تواند نوسانهای اقتصادی (تورمی و تنزلی) را در جامعه کاهش دهد. در دوره رکود اقتصادی، هنگامی که تقاضای مؤثر کاهش می‌یابد، سرمایه‌گذاری، قیمت‌ها و درآمد ملی نیز کاهش می‌یابند، در این صورت دولت با اتخاذ سیاست‌های مناسب، می‌تواند نقش قابل توجهی در اقتصاد ایفا کند. افزایش مخارج عمومی، باعث افزایش درآمد، تقاضای مؤثر در جامعه، افزایش قیمت‌ها و ایجاد انگیزه به منظور تشویق سرمایه‌گذاری خواهد شد. در نتیجه تقویت سرمایه‌گذاری، اشتغال و درآمد ملی نیز افزایش می‌یابد و اقتصاد از وضعیت رکود رها می‌شود. اگر با افزایش مخارج عمومی، مالیات‌ها کاهش یابد، درآمد قابل تصرف افراد افزایش می‌یابد و این عمل، افزایش تقاضای مؤثر را تشدید می‌کند. در حالی که در دوره تورم، سیاست‌های دولت باید به نحوی تقاضای مؤثر را کاهش دهد. در این دوره، دولت از طریق کاهش مخارج عمومی و افزایش مالیات‌ها، می‌تواند قدرت خرید جامعه را کاهش دهد و تخفیفی در فشار تورم ایجاد کند.

۱۲-۳ اشتغال کامل  
اشتغال کامل از مهم‌ترین اهدافی است که دولت‌ها با استفاده از سیاست‌های مالی دنیال می‌کنند. بی‌کاری تنها یک پدیده نامساعد اقتصادی نیست، بلکه مشکلات اجتماعی و سیاسی گوناگونی نیز به وجود می‌آورد. سیاست‌های مختلف دولت در مبارزه با

وظیفه ثبات، برنامه‌های مختلف دولت در دستیابی به اهدافی مانند تثبیت قیمت‌ها، اشتغال کامل و رشد اقتصادی، برای ایجاد ثبات اقتصادی است؛ به بیان دیگر، ابزارهای دولت از طریق آن می‌توانند وظایف اقتصادی مذکور را انجام دهد، بودجه و سیاست مالی است؛ یعنی دولت برای انجام وظایف و مسئولیت‌های اقتصادی، به هزینه نیاز دارد و برای تأمین این هزینه‌ها، به منابع مختلف مالی نیازمند است که در بودجه مخارج و درآمدهای مختلف عمومی ثبت می‌شوند. دولت از طریق تغییرات مخارج و درآمدهای مختلف خود در بودجه، که در اصطلاح «سیاست مالی» نامیده می‌شود، می‌تواند مسئولیت‌های اقتصادی خود را انجام دهد. عملیات مالی دولت در کشورهای در حال توسعه، نقش مهمی دارد؛ یعنی اگر سیاست مالی در این کشورها به صورت صحیحی اجرا شود، ممکن است آثار اقتصادی و اجتماعی مطلوبی به بار آورد.

## ۱۲-۴ آثار اعمال سیاست مالی مطلوب از طریق دولت

۱۲-۴-۱ تشکیل سرمایه و رشد سریع اقتصادی  
نرخ پایین تشکیل سرمایه، مشکل مهمی در رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود. روش‌های دولت و مالیه عمومی ممکن است در رفع این مشکل، تأثیر بارزی داشته باشد. دولت باید از طریق مخارج عمومی و مالیات‌ها، وضعیتی را ایجاد کند که در نتیجه آن، نرخ سرمایه‌گذاری افزایش یابد؛ برای مثال، سیاست‌های دولت در خصوص معافیت‌ها و تخفیف‌های مالیاتی می‌تواند کارایی نهایی سرمایه و در نتیجه سودآوری سرمایه‌گذاری را افزایش دهد و به تقویت انگیزه سرمایه‌گذاری کمک کند. به همین ترتیب مخارج عمومی‌ای که باعث ایجاد تسهیلات زیربنایی، مانند بهبود حمل و نقل و نیروی برق ارزان در جامعه می‌شود، با ایجاد صرفه‌جوییهای خارجی، موجب تقویت انگیزه بخش خصوصی در فعالیتهای سرمایه‌گذاری می‌شود. همچنین مخارج انتقالی دولت، قادر است تقاضای مؤثر در برخی از کالاها را افزایش دهد و انگیزه‌ای در راستای افزایش نرخ تشکیل سرمایه ایجاد کند. مخارج سرمایه‌گذاری دولت نیز با ایجاد تراکم سرمایه در بخش عمومی

## فصل اول

## مخارج و درآمدهای عمومی دولت

## ۱-۱ مقدمه

چندین سال قبل «ریچارد ماسگر بوه»<sup>۱</sup> وظایف اقتصادی دولت را به گروههای زیر تقسیم کرد:

۱. وظیفه تخصیص؛
۲. وظیفه توزیع؛
۳. وظیفه ثبات.

وظیفه تخصیص، برنامه ها و سیاستهای مختلف دولت را در تخصیص منابع بین دو بخش خصوصی و عمومی شامل می شود. برنامه هایی از قبیل عرضه کالا، خدمات عمومی و همچنین وضع قوانین گوناگونی که به نحوی در فعالیتهای اقتصادی جامعه تأثیر دارند، نیز در این گروه قرار می گیرد.

وظیفه توزیع، شامل برنامه هایی است که به نحوی در توزیع درآمد و ثروت، بین گروههای مختلف جامعه تأثیر می گذارد؛ به عبارت دیگر، دولت با سیاست گذاریهای گوناگون می تواند در مبارزه با پدیده فقر و کمک به گروههای کم درآمد جامعه و تعدیل فاصله طبقاتی، مؤثر واقع شود.

۱. Richard A. Musgrave, *The Theory of Public Finance*, McGraw Hill, New York, 1959.

و همچنین ر.ک.:  
Richard A. Musgrave and Peggy B. Musgrave, *Public Finance in Theory and Practice*, McGraw Hill, New York, 4th ed, 1984.

توسعه اقتصادی کشور به منظور اطلاع و بهره برداری دانشجویان و دانش پژوهان عزیز است.

با اینکه کتاب حاضر، به طور عمده بر اساس شرح درس اقتصاد بخش عمومی (۱) دوره کارشناسی گرایش اقتصاد نظری، تألیف شده است، اما نحوه تشریح موضوعات مختلف در آن به گونه ای است که این کتاب برای دانشجویان عزیز، در دروسی از قبیل بودجه، مالیه عمومی، خط مشی مالی دولتها و اقتصاد رفاه، در دوره کارشناسی یا بالاتر، همچنین کارشناسان مختلف اقتصادی نیز مفید تواند بود.

در خاتمه، لازم است از مسئولان سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) که امکانات چاپ کتاب حاضر را فراهم کردند قدردانی کنیم. همچنین از خانم فضا غلامعلی پور، ماشین نویس دانشکده اقتصاد دانشگاه مازندران، به دلیل تایپ نسخه مقدماتی این کتاب، تشکر می نمایم.

احمد جعفری صمیمی

دانشکده علوم اقتصادی و اداری

دانشگاه مازندران

خرداد ۱۳۸۵

\* شرفیت نیل السور و اندر درار و این الیها باید بر مناس شرایط مذکور عمل نماید و در هر صورت

\* اصلاح بخش عمومی - عنوان اصل تمدن محور الیها پیشرفت

\* نیل السور - اصلاح بخش عمومی - دلیل تاریخی از عملکرد این بخش

\* دولت ایرانی در تمام از یک سو بر اساس معنوی و روحانی و از سوی دیگر بر اساس مادی و مادیات

(۱) اصلاح نظام مالیات (۲) صدور سانس (۳) استقلال بانک مرکزی (۴) تمرکز زائی مالی (۵) نقش کارها در مدیریت (۶) مدیریت مالی (۷) سرمایه گذاری (۸) ارتقاء و توسعه (۹) دولت و مردم

(۱۰) سازه های اهرار کوتاه مدت و بلند مدت و میان مدت (۱۱) سرمایه گذاری (۱۲) مدیریت مالی (۱۳) ارتقاء و توسعه (۱۴) دولت و مردم

در اهرار بر نامه ها و تنظیمات

اصلاح اقتصاد بخش عمومی: محور اساسی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

نویسنده: دکتر احمد جعفری صمیمی

## چکیده

بی تردید پیاده سازی الگوهای پیشرفت بدون لحاظ مقتضیات اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی جوامع، به نایب و چشم اندازهای مطلوب رهنمون نخواهد شد. این نکته ما را هشدار می دهد که با بیانات مقام متفکر رهبری به این اصل اساسی رهنمون ساختن است که "پیشرفت برای همه کشورها و همه جوامع عالم، یک الگوی واحد ندارد... پیشرفت در کشور ما - با شرایط تاریخی ما، با شرایط جغرافیائی ما، با اوضاع سرزمینی ما، با وضع علت ما، با آداب ما، با فرهنگ ما و با میراث ما - الگوی ویژه خود را دارد".

هدف مقاله حاضر بررسی نقش و جایگاه ویژه اقتصاد بخش عمومی و ضرورت اصلاحات اساسی در آن به عنوان محور اصلی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می باشد. به نظر نگارنده امکان پیشرفت پایدار در کشور بدون اصلاحات اساسی در اقتصاد بخش عمومی کشور امکان پذیر نمی باشد. نیاز اصلاحات اساسی در بخش عمومی به دلیل نارضایتی از عملکرد این بخش با توجه به تجربه کشور در ۳۰ سال گذشته می باشد. عدم توانایی تامین هزینه های جاری دولت از مالیاتها که در تمامی برنامه های اقتصادی پنج ساله و برنامه های اقتصادی خاص بین برنامه ها نظیر طرح ساماندهی اقتصاد کلان مورد تاکید قرار گرفت، جایگاه نه تنها عملی نشد بلکه وضعیت پس از یک دوره تقریباً ۳۰ ساله (۱۳۶۵-۱۳۹۲) فرقی نکرده است به گونه ای که در دوره فوق فقط حدود ۴۰ درصد هزینه های جاری دولت از مالیاتها تامین شده است. این امر باعث شده که با وجود تمایل به تخصیص درآمدهای نفتی به سرمایه گذاری جهت تامین اهداف توسعه پایدار و رشد اقتصادی این امر تحقق نیافته و دولت ناگزیر متوسل به استقراض از بانک مرکزی و تبیین آن به عنوان نوعی درآمد (کیک حق الضرب) به جای بدی تورم ساختاری را در کشور ایجاد نموده که اینجانب چندین سال قبل از آن به عنوان پدیده مالی تورم در کشور یاد نمودم که هنوز هم بر آن تاکید دارم.

لازم به توضیح است که اصلاحات اساسی در بخش عمومی مستلزم همراهی سایر سیاستها و گاه پیشنهادهایی دارد که در موفقیت و ایجاد پیشرفت اقتصادی نقش تعیین کننده ای دارند. در این راستا در مقاله حاضر نقش اصلاح نظام مالیاتی - خصوصی سازی واقعی همراه با رقابت - تمرکز زدایی مالی و نقش دولتهای محلی - استقلال واقعی بانک مرکزی - نقش نهاد ملی لازم جهت بررسی عملکرد دقیق و ضرورت سازگاری تحقق اهداف کوتاه مدت (بودجه) و میان مدت (برنامه) و بلند مدت (چشم انداز اقتصادی) - سرمایه اجتماعی و مهمتر از آن به نظر اینجانب سرمایه اخلاقی لازم توجه به متغیرهای نهادی و حکمرانی خوب با تاکید بر ارتباط صمیمانه دولت با مردم برای همکاری آنها در اجرای موفقیت برنامه های تثبیت اقتصادی در اصلاح اقتصاد بخش عمومی به عنوان محور اصلی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

واژه های کلیدی: الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، اصلاح مالیاتها، استقلال بانک مرکزی، خصوصی سازی، کیک حق

الضرب، سرمایه اخلاقی، تمرکز زدایی مالی.

بلندمدت به صیغه اهرار  
کوتاه مدت به صیغه اهرار  
میان مدت به صیغه اهرار

استاد گروه اقتصاد دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه مازندران. jafarisa@umz.ac.ir

مکتوبہ کراچی و تحصیل و بخارہ مورخہ ۱۳۱۱ھ - اسلامی ۱۳۱۱ھ

تجارت بین‌المللی، به عنوان یکی از بخش‌های مهم اقتصاد، نقش مهمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی یک کشور دارد. این بخش به واسطه تبادل کالاها و خدمات بین کشورهای مختلف، به بهبود رفاه و پیشرفت اقتصادی کمک می‌کند. در این مقاله، به بررسی اهمیت تجارت بین‌المللی و چالش‌های آن خواهیم پرداخت.

[illegible]

به طور کلی دولت در کشورهای برخوردار از منابع طبیعی، مانند کشورهای اوپک برای تامین مالی هزینه- هایش، وابستگی کمتری به درآمدهای مالیاتی دارد. همچنین وجود این درآمدها سبب می‌شود که عدم تعادل- ها در سطوح مختلف اقتصادی دیرتر نمایان شود و ناکارایی‌ها دوام بیشتری یابند.<sup>۱</sup>

در اقتصاد بخش عمومی ضرورت اصلاح نظام مالیاتی زمانی ضرورت پیدا می‌کند که کشور از شرایط موجود رضایت نداشته باشد. در ایران تقریباً در تمامی برنامه های اقتصادی پنج ساله پس از پیروزی انقلاب اسلامی و حتی در برنامه های تثبیت یا تعدیل اقتصادی معین در میان برخی از برنامه های پنج ساله مانند طرح ساماندهی اقتصاد کلان در دوره اول ریاست جمهوری آقای خاتمی تاکید زیادی بر تامین هزینه های جاری دولت از طریق درآمدهای مالیاتی بوده است. این هدف گذاری با تخصیص درآمدهای نفتی به سرمایه گذاری مولد و بحث توسعه پایدار و رفاه اقتصادی نسلهای آینده نیز قابل توجیه و مناسب بوده است.

روند درآمدهای مالیاتی و هزینه های جاری دولت و مخصوصاً نسبت مالیاتها به هزینه های جاری دولت در سالهای ۱۳۶۵-۱۳۹۱ نشان می‌دهد که هم‌تاسفانه در این زمینه عملکرد اقتصاد بخش عمومی ضعیف بوده و نسبت فوق که هدف گذاری شده بود به عدد ۱۰۰ درصد برسد در طول دوره فوق هیچگاه حتی به ۵۰ درصد نیز نرسیده است. نکته جالب توجه این است که در هر برنامه اظهار امیدواری شده است که در برنامه پنج ساله بندی تحقق یابد که هیچگاه عملی نشد و هیچکس هم در این زمینه پاسخگو نبود. به عبارت دیگر فقدان نظام کنترل عملکرد دولت و مسئولین مربوطه باعث شد که این مشکل به صورت جدی

جدول (۱) درآمدهای مالیاتی - هزینه های جاری دولت و نسبت آنها (۱۳۶۵-۱۳۹۱)

درآمدهای مالیاتی و هزینه های جاری دولت در ایران (۱۳۶۵-۱۳۹۱)			
سال	درآمد مالیاتی (میلیارد ریال)	هزینه جاری (میلیارد ریال)	نسبت (درصد)
۱۳۶۵	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۶۶	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۶۷	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۶۸	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۶۹	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۷۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۷۱	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۷۲	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۷۳	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۷۴	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۷۵	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۷۶	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۷۷	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۷۸	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۷۹	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۸۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۸۱	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۸۲	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۸۳	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۸۴	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۸۵	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۸۶	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۸۷	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۸۸	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۸۹	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۹۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳۹۱	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - نماگرهای اقتصادی - سالهای مختلف و جغفری صمیمی - اقتصاد بخش عمومی (۱) - چاپ دوازدهم ۱۳۹۰.



جدول ۲: وابستگی بودجه عمومی به نفت

حد اقل درصد وابستگی بودجه به نفت	منابع بودجه عمومی	جمع استفاده از منابع نفت در بودجه	
۶۸/۰	۱۰۷۸۷۶	۷۳۳۶۴	۱۳۷۹
۵۹/۲	۱۴۲۹۰۳	۸۴۵۷۷	۱۳۸۰
۶۷/۶	۲۳۴۹۵۹	۱۵۸۸۱۴	۱۳۸۱
۴۷/۶	۳۷۶۹۰۰	۱۷۹۵۸۳	۱۳۸۲
۴۳/۳	۵۰۳۹۳۵	۲۱۸۳۹۱	۱۳۸۳
۶۸/۳	۴۸۷۴۰۸	۳۳۲۶۹۴	۱۳۸۴
۶۹/۶	۵۷۹۵۴۹	۴۰۳۱۱۳	۱۳۸۵
۶۱/۴	۶۴۹۲۶۱	۳۹۸۸۳۶	۱۳۸۶
۶۹/۰	۸۷۴۳۰۹	۶۰۳۳۲۶	۱۳۸۷
۵۶/۲	۸۹۵۳۰۷	۵۰۳۵۲۵	۱۳۸۸
۵۱/۸	۱۰۱۷۲۷۰	۵۲۶۵۳۳	۱۳۸۹
۵۰/۸	۱۴۵۸۸۸۵	۷۴۱۱۶۵	۱۳۹۰
۵۰/۵	۱۵۱۳۱۹۴	۷۶۴۱۰۳	۱۳۹۱

مأخذ: مرکز پژوهش‌های مجلس - گزارش‌های نفت در بودجه - ۱۳۹۲

هرچند درصد وابستگی بودجه به نفت در سال ۱۳۷۹ بیشتر از سال ۱۳۸۹ و قانون بودجه ۹۱ است اما مجموع منابع نفتی بودجه عمومی کشور در سال ۷۹ حدود ۷۳ هزار میلیارد ریال بود در حالی که این رقم در سال ۱۳۸۹ به ۵۲۷ هزار میلیارد ریال و در سال ۱۳۹۱ به ۷۶۴ هزار میلیارد ریال رسیده است. به عبارت دیگر حجم استفاده از منابع نفتی در بودجه بیش از ۱۰ برابر شده است و شرایط کشور به گونه‌ای است که هرگونه کاهش آن، منابع بودجه را با کاهش قابل توجهی مواجه می‌سازد. بنابراین برای مقاوم سازی اقتصاد ایران و همچنین جلوگیری از نا اطمینانی و بی ثباتی درآمدهای دولت که در حقیقت اساس اقتصاد مقاومتی را تشکیل می‌دهد کاهش اتکای دولت لاقابل در بخش تامین هزینه های جاری به درآمد نفتی در یک دورهمیان مدت و نظارت شده امری اجتناب ناپذیر است.

### ۳- خصوصی سازی واقعی

نگاهی به فرآیند خصوصی سازی در کشورهای مختلف<sup>۱</sup> نشان می‌دهد که در مرحله گذار از اقتصاد دولتی به اقتصاد بازار و شکل گیری نظام بازار دو اصل اساسی وجود دارد: اول اقدامات «درونی» بنگاه با هدف افزایش بهره‌وری و سودآوری که توسط مدیران بنگاه‌ها انجام می‌گیرد. دوم ایجاد شرایط و بستر «محیطی»

<sup>۱</sup> Van Der Hoeven, R., & Sziracki, G. (Eds.), ۱۹۹۷; Price, C. W., & Hancock, R., ۱۹۹۸; Boubakri, Jean-Claude Cosset and Houcem Smaoui, ۲۰۰۷; En-Bai, Chong, Jiang Yong Lu and Zhigang Tao, ۲۰۰۹; Kikeri, Sunita and Matthew Perault, ۲۰۱۰.

[illegible]

بدین نام یاد اقبال کریم قاری ساکنی جموں

در عنوان «موتور» خصوصاً سازی آن دولت عهدداران می باشد.

موفقیت خصوصی سازی و ارائه این اقتصاد رقابت می باشد.

غیر مطلوب می باشد. تجربه موفق چنین در این زمینه گواهی آنها بخاطر می باشد.



جهت نظارت، پیش‌بینی نشده است.		
✓ اهداف سیاست خصوصی‌سازی در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت با توجه به سیاست‌های نظام پیش‌بینی شود.	راه‌کارها	
✓ مجموعه‌ای پر قدرت برخوردار از قدرت علمی و سیاسی، جهت نظارت.		
✓ مقررات و ضوابط لازم جهت تامین و تضمین سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی بخش خصوصی.		
✓ رفع موانع فعالیت سالم بازار اوراق بهادار.		
✓ پیش‌بینی قوانین و مقررات قضایی کشور در زمینه تخلفات از سیاست واگذاری‌ها		
✓ پیش‌بینی نظام مدون خصوصی‌سازی به‌خصوص جهت دستگاه‌های نظارتی		
نظیر دیوان محاسبات کشور و سازمان حسابداری و سازمان بازرسی کشور.		

در مجموع پس از ۵۰ سال مداخله اقتصادی دولت در کشورهای مختلف جهان که بدلیل بحران بزرگ اقتصادی ۱۹۲۹-۱۹۳۲ و شکست بازار توجیه شد با توجه به عملکرد نامطلوب آن که عمدتاً به خاطر افزایش شدید مخارج همراه با کسری بودجه و تامین کسری از طریق آنچه امروزه به مالیات آسان نام گذاری شده که در حقیقت درآمد ناشی از انتشار پول (حق التبر) معروف استو باعث تورم و بی ثباتی اقتصادی شد از دهه ۱۹۸۰ خصوصی سازی در کشورهای مختلف به سرعت گسترش یافت که شاید بتوان نقطه اوج آنرا به اوایل دهه ۱۹۹۰ با فروپاشی اقتصاد شوروی که دولتی ترین و متمرکز ترین اقتصاد را در جهان داشت نسبت داد. به عبارت دیگر کتابی که نویسنده ترجمه نموده با عنوان "آدام اسمیت به مسکو می رود" مربوط به این دوره می باشد.

نکته حائز اهمیت در این زمینه این است که خصوصی سازی به معنی عدم دخالت دولت در اقتصاد نمی باشد. به عبارت دیگر نقش دولت لازم است تغییر نماید تا بتواند پیشرفت اقتصادی را تسریع نماید. دولت در نقش جدید خود به جای "بنا" به شکل "معمار" ظاهر شده و کلیه موانع بر سر راه اقتصاد بخش خصوصی را بر داشته و در این نقش بدون اینکه خود فعالیتها را انجام دهد اجازه دهد عواملان بخش غیر دولتی با بهره وری بیشتر و رقابت با یکدیگر وارد عمل شود. بدون شک این وضعیت از یکطرف باعث کاهش قابل توجه هزینه های دولت شده و از طرف دیگر با دریافت درآمدهای مالیاتی از بخش جایگزین شده عملکرد اقتصادی خود و اقتصاد کلان را بهبود بخشد. برای مثال گسترش آموزش عالی غیر دولتی در ایران که با کاهش فشار بار تخصیص بودجه های سرانه دانشجویی را کاهش داده و از طرف دیگر گسترش اینگونه موسسات علاوه بر ایجاد اشتغال و سایر اثرات مستقیم و غیر مستقیم اقتصادی باعث افزایش درآمدهای مالیاتی دولت نیز می شود. البته توسعه و تداوم این موسسات با توجه به رقابت بین آنها در جذب دانشجو منوط به بهبود وضعیت آموزشی و پژوهشی آنهاست. دولت نیز با نظارت دقیق بر عملکرد اینگونه موسسات بدون انجام هیچگونه هزینه ای می

<sup>۱</sup> پروک جیمز و والتر آدامس "آدام اسمیت به مسکو می رود" - ترجمه احمد جعفری صمیمی - دانشگاه مازندران - چاپ دوم - ۱۳۸۸.

دو مقاله جنوری صمتی و همکاران (۲۰۱۰) با استفاده از الگوهای خطی و غیر خطی نشان داده اند که  
 های این پژوهش نشانگر تأثیر غیر مستقیم تمرکز داری بر رشد از طریق استقرار ساختار اقتصادی بوده است.  
 کشور) در بلندمدت و کوتاه مدت به طور مستقیم نرخ رشد اقتصادی را افزایش می دهد. همچنین یافته  
 مدل خود به این نتیجه دست یافته اند که تمرکز داری مالی (نسبت بودجه استان ها به به بودجه عمومی  
 است. از جمله این مطالعات می توان به مقاله فریزر و وین و عقاری فرد (۱۳۸۵) اشاره کرد که با استفاده از  
 مطالعات داخلی متغیری نیز در خصوص تأثیرات تمرکز داری، به خصوص تمرکز داری نظام بانکی، انجام پذیرفته  
 تمرکز داری را افزایش می دهد.

[illegible][illegible]

نماید. خروجی داخلی دانشگاه‌های به نسبت بی‌ترس‌تر است و کیفیت علمی

از جمله ۳۵ نفر که در دانشگاههای ایران تحصیل می‌کنند، ۱۰ نفر به دانشگاه تهران و ۲۵ نفر به دانشگاه خوارزمی مراجعه کردند.

6 و از جرح از جبهه و از کتری کتری و مخصوصاً و تخصصی و ای هادی در دوره و دانشجو آموزشی

6. Երկրորդ հիմնական խնդիրն է՝ արդյունաբերության և օրհասի զարգացումը:

دارد. همچنین این مقاله درمی یابد که اگر میزان تمرکززدایی درآمدهای استان ها تا سطح ۸۵ درصد افزایش یابد، رشد اقتصادی استان ها نیز ارتقا می یابد.

در مجموع با گسترش تمرکز زدایی مالی وظایف حاکمیتی و مسؤولیت های اجرایی دولت مرکزی به دولت در سطوح منطقه ای - استانی و محلی ارجاع می شود. با هدایت وظایف تخصیص و توزیع در اقتصاد بخش عمومی از دولت مرکزی به دولت های محلی در این حالت، نقش استانداری ها و شورای اسلامی شهر و روستا پر رنگ تر و عملکرد دولت به دلیل نزدیکی به منطقه از کارایی بیشتری برخوردار می شود.

تمرکززدایی ارتباط تنگاتنگی با افزایش کارآیی دارد. از همین جا است که تشکیل دولت های محلی برای اداره امور محلی و ارائه کالاهای عمومی توصیه می شود. یکی از مشکلات مدیریت متمرکز، ناتوانی در شناخت ترجیحات است. راه حل اقتصاد بازار برای تولید کالاهای خصوصی مکانیزم قیمت می باشد اما در ارتباط با

کالای عمومی که بخش خصوصی با شکست مواجه می شود یک راهکار تمرکززدایی است. دولت های محلی کارآیی بیشتری در هزینه کردن مالیات ها از طریق برآورد بهتر ترجیحات شهروندان دارند. قضیه تمرکززدایی "اوتس" در اقتصاد بخش عمومی از همین نوع است. ایده اساسی قضیه این است که دولت های محلی به دلیل نزدیکی بیشتر با شهروندان توانایی بیشتری در شناخت ترجیحات دارند. برای مثال یک کشور با دو منطقه دارای تقسیمات کشوری را در نظر بگیرید که ساکنان هر منطقه دارای ترجیحات متفاوتی نسبت به کالای عمومی هستند، دولت مرکزی یا می تواند خود اقدام به ارائه کالای عمومی نماید که در این صورت حداقل ترجیحات یک منطقه مورد بی اعتنائی قرار می گیرد یا از طریق دادن اختیارات مالی به دولت های محلی، دست آنها را در ارائه کالای عمومی باز می گذارد که در این صورت دولت های محلی با شناخت ترجیحات شهروندان اقدام به تخصیص بهینه منابع می کند. این اقدام از طریق مکانیزم رای گیری و تمرکززدایی سیاسی بهبود می یابد. به غیر از افزایش کارآیی، تمرکززدایی دارای منافع نیز هست. تمرکززدایی موجب تسهیل و تسریع در تصمیم گیری ها می شود، رقابت بین دولت های محلی را افزایش می دهد، توسعه منطقه ای به همراه می آورم و با نزدیک کردن دولت به مردم موجب افزایش شفافیت و پاسخگویی می شود. لازمه تمرکززدایی، تهیه و تدوین قوانین مناسب جهت تفویض اختیارات سیاسی و مالی به دولت های محلی می باشد.

موادی از قانون برنامه پنج ساله (نجم توسعه) در کشورمان نیز به بحث تمرکززدایی اشاره کرده است. برای مثال ماده (۱۷۳) قانون مذکور، دولت را مجاز به تهیه برنامه جامع مدیریت شهری به منظور دستیابی به ساختار مناسب و مدیریت هماهنگ و یکپارچه شهری در محدوده و حریم شهرها، با رویکرد تحقق توسعه پایدار شهرها، تمرکز مدیریت از طریق واگذاری وظایف و تصدی های دستگاه های دولتی به بخش های

دولت‌های محلی با هدف کسب درآمد.

➤ انتقادات اصلی از دولت مرکزی به دولت‌های محلی به صورت مستقیم و دانی اختیارات مالیاتی، به

➤ استفاده از ظرفیت شهرهای شهر و روستا برای اجرای برنامه‌های تنویر شده.

➤ طراحی چارچوب نظارتی یا پشتیبان قانونی و اجرایی لازم برای اعمال دقیق قوانین.

لازم است نکات زیر مد نظر قرار گیرد:

تفاوت بین ایرانی - اسلامی الگوی تنویر مالی در دولت مرکزی تمرکز هدف هدایت بیشتر منظور است و به این راستا در این راستا است.

دولت‌های محلی در مطالعات مختلف تجربی هماهنگی که در بالا اشاره شد مورد تأکید قرار گرفته شده.

تفاوت بین ایرانی - اسلامی الگوی تنویر مالی در دولت مرکزی تمرکز هدف هدایت بیشتر منظور است و به این راستا در این راستا است.

دولت‌های محلی در مطالعات مختلف تجربی هماهنگی که در بالا اشاره شد مورد تأکید قرار گرفته شده.

تفاوت بین ایرانی - اسلامی الگوی تنویر مالی در دولت مرکزی تمرکز هدف هدایت بیشتر منظور است و به این راستا در این راستا است.

دولت‌های محلی در مطالعات مختلف تجربی هماهنگی که در بالا اشاره شد مورد تأکید قرار گرفته شده.

تفاوت بین ایرانی - اسلامی الگوی تنویر مالی در دولت مرکزی تمرکز هدف هدایت بیشتر منظور است و به این راستا در این راستا است.

دولت‌های محلی در مطالعات مختلف تجربی هماهنگی که در بالا اشاره شد مورد تأکید قرار گرفته شده.

تفاوت بین ایرانی - اسلامی الگوی تنویر مالی در دولت مرکزی تمرکز هدف هدایت بیشتر منظور است و به این راستا در این راستا است.

دولت‌های محلی در مطالعات مختلف تجربی هماهنگی که در بالا اشاره شد مورد تأکید قرار گرفته شده.

تفاوت بین ایرانی - اسلامی الگوی تنویر مالی در دولت مرکزی تمرکز هدف هدایت بیشتر منظور است و به این راستا در این راستا است.

دولت‌های محلی در مطالعات مختلف تجربی هماهنگی که در بالا اشاره شد مورد تأکید قرار گرفته شده.

تفاوت بین ایرانی - اسلامی الگوی تنویر مالی در دولت مرکزی تمرکز هدف هدایت بیشتر منظور است و به این راستا در این راستا است.

دولت‌های محلی در مطالعات مختلف تجربی هماهنگی که در بالا اشاره شد مورد تأکید قرار گرفته شده.

تفاوت بین ایرانی - اسلامی الگوی تنویر مالی در دولت مرکزی تمرکز هدف هدایت بیشتر منظور است و به این راستا در این راستا است.

دولت‌های محلی در مطالعات مختلف تجربی هماهنگی که در بالا اشاره شد مورد تأکید قرار گرفته شده.

تفاوت بین ایرانی - اسلامی الگوی تنویر مالی در دولت مرکزی تمرکز هدف هدایت بیشتر منظور است و به این راستا در این راستا است.

دولت‌های محلی در مطالعات مختلف تجربی هماهنگی که در بالا اشاره شد مورد تأکید قرار گرفته شده.

تفاوت بین ایرانی - اسلامی الگوی تنویر مالی در دولت مرکزی تمرکز هدف هدایت بیشتر منظور است و به این راستا در این راستا است.

دولت‌های محلی در مطالعات مختلف تجربی هماهنگی که در بالا اشاره شد مورد تأکید قرار گرفته شده.

تفاوت بین ایرانی - اسلامی الگوی تنویر مالی در دولت مرکزی تمرکز هدف هدایت بیشتر منظور است و به این راستا در این راستا است.

دولت‌های محلی در مطالعات مختلف تجربی هماهنگی که در بالا اشاره شد مورد تأکید قرار گرفته شده.

تفاوت بین ایرانی - اسلامی الگوی تنویر مالی در دولت مرکزی تمرکز هدف هدایت بیشتر منظور است و به این راستا در این راستا است.

دولت‌های محلی در مطالعات مختلف تجربی هماهنگی که در بالا اشاره شد مورد تأکید قرار گرفته شده.

تفاوت بین ایرانی - اسلامی الگوی تنویر مالی در دولت مرکزی تمرکز هدف هدایت بیشتر منظور است و به این راستا در این راستا است.

علاوه بر این همانطوریکه تجربه احزاب کشورمان در هندسند سازی بارانه ها و مخصوصاً مشکلی شناسایی جمعیت واجد شرایط مشاهده شد به نظر نگارنده این وظیفه به خوبی از عهده دولتهای محلی مخصوصاً شوراهای شهر و روستا که باید به طور کامل مانند سایر کشورها به خوبی و تسلط فراوان از کلیه خانوارها در حوزه فعالیت خود اطلاع دارند گذاشته شود. بنابراین مشاهده می شود که دولتهای استانی و محلی کارآمد می توانند در عملکرد بخش عمومی در اقتصاد کلان و در نتیجه پیشرفت اقتصادی کشور نقش تعیین کننده ای ایفا نمایند. البته شرایط عضویت در شوراهای با تاکید بر تخصص و کارایی و تجربه لازم در مسئولیتها و پرهیز از بسیج قومی گرایی و خویشاوندی لازم است اصلاح شود.

#### ۵- ضرورت سازگاری تحقق اهداف کوتاه مدت - میان مدت و بلند مدت

از نظر زمانی اهداف مورد نظر اقتصادی در سطح کلان که لازم است در هر نظام و یا الگوی اقتصادی مورد توجه قرار گیرد به سه دوره کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت تقسیم می شود. در هر دوره از الگوی پیشرفت، برنامه ریزی و ارزیابی عملکرد و چگونگی درصد تحقق اهداف مورد نظر و مخصوصاً هماهنگی و سازگاری اهداف در این سه دوره زمانی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. علت این امر این است که موفقیت برنامه ها از نظر تحقق اهداف مورد نظر مشخص خواهد شد. برای تشریح بیشتر این موضوع می توان گفت که در اقتصاد بخش عمومی و کلان کشورمان اهداف کوتاه مدت در قالب بودجه سالانه دولت ارایه می شود. در میان مدت اهداف اقتصادی در چارچوب برنامه های اقتصادی ۵ ساله مشخص می شود. سرانجام اهداف بلندمدت به شکل سند چشم انداز بیست ساله تبیین می شود.

نکته حائز اهمیت در این زمینه این است که هر یک از موارد سه گانه فوق توسط یکی از نهادهای اجرایی و قانونی کشور ارایه می شوند. برای مثال دولت بودجه را ارایه می نماید. برنامه های پنج ساله نیز توسط دولت ارایه شده و برنامه چشم انداز نیز با همکاری جمع تشخیص مصلحت نظام با رهنمودهای مقام معظم رهبری ترسیم می شود. سؤال مهمی که در این زمینه مطرح می شود این است که چه نهادی و یا سازمانی مسئولیت ارزیابی هر یک از برنامه های سه گانه و مهمتر از آن سازگاری سه برنامه با یکدیگر را به عهده دارد؟ برای مثال چگونگی تطابق اهداف بودجه های سالانه با برنامه پنج ساله با این توصیف که پس از اجرای پنج بودجه اتوماتیک اهداف یک برنامه پنج ساله تحقق یافته و همچنین پس از اجرای ۴ برنامه پنج ساله اتوماتیک اهداف یک برنامه ۲۰ ساله تحقق یابد.

با توجه به عملکرد اقتصاد بخش عمومی کشورمان همانطوریکه در بخش های قبلی نیز اشاره شد مشخص است که چنین نهادی وجود ندارد. دلیل این امر نیز واضح است زیرا اهداف مورد نظر کوتاه مدت مانند

[illegible][illegible]

ᐅᓂᑦ ᐱᓄᑦ

[illegible]

مجلسه ۱۳۴۳

[illegible]

یک نظاره‌گر بوده است نه سیاست‌گذار. برای نمونه می‌توان به بی‌ثباتی‌های بازار ارز و سکه در سال‌های ۹۰ و ۱۳ اشاره نمود.

نکته حائز اهمیت این است که به معنی واقعی زمانی استقلال واقعی بانک مرکزی وجود دارد که در اجرا بتوان دو سیاست مالی و پولی با دو نهاد مستقل اما هماهنگ را در کشور مشاهده نمود. در عوض چنانچه انتخاب رئیس بانک مرکزی یا توسط رئیس جمهور و یا تاکید وی و مقامات سیاست مالی باشد نمی‌توان شاهد استقلال واقعی بود. زمانی استقلال واقعی وجود دارد که رئیس بانک مرکزی جهت تحقق هدفگذاری تورم و سایر وظایف محوله مطیع دولت نباشد و با حمایت مجلس از یکطرف و نگرانی از اخراج<sup>۱</sup> خود بدلیل عدم توانایی در انجام وظایف هدف گذاری شده به درخواستهای نامطلوب دولت مخصوصاً در دریافت حق الضرب واکنش مثبت نشان ندهد. در صورت استقلال بانک مرکزی دیگر دولت قادر نخواهد بود مانند آنچه در ۳۰ سال گذشته در اقتصاد کشورمان رخ داد به پشتوانه استقراض از بانک مرکزی کسری بودجه ناشی از عدم رعایت انضباط مالی خود را که عامل و ریشه اصلی تورم در کشور بوده است را ایجاد نماید. این نوع تورم ناشی از تأمین کسری بودجه از طریق حق الضرب در سال‌های نگارنده "یک پدیده مالی" در مقایسه با جمله معروف فریدمن که "تورم همیشه و همه جا یک پدیده پولی است" نامیده است.

همچنین گاهی برای نگارنده این سؤال مطرح شده است که آیا بانکهای مرکزی در کشورهای جهان مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه خود واقعاً تمایل دارند که مستقل باشند؟ علت این امر این است که این امکان وجود دارد که بانکهای مرکزی خود در هنگام انتشار پول برای دولت بخشی از آنرا به خود اختصاص داده و به اصطلاح در کیک حق الضرب (Seigniorage Cake) خود نیز سهیم شوند. سؤال قابل طرح این است که آیا در ایران بانک مرکزی در کیک حق الضرب در ۳۰ سال گذشته سهیم نبوده است؟ بهر حال به نظر نگارنده لازم است استقلال واقعی بانک مرکزی یکی از عناصر کلیدی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت تلقی شود.

#### ۷- حکمرانی خوب و نقش متغیرهای نهادی

از دیگر شاخص‌های کارایی بخش عمومی می‌توان به حکمرانی خوب و نقش متغیرهای نهادی اشاره نمود. حکمرانی خوب دارای ۶ مؤلفه اصلی است. این مؤلفه‌ها عبارتند از: ثبات سیاسی، پاسخگویی و ارتباط دولت با مردم، شفافیت و کیفیت قوانین، کارایی و اثربخشی دولت، کنترل فساد و نهایتاً حاکمیت قانون. با وجودیکه تمام موارد فوق لازم است در الگوی پیشرفت لحاظ شود اما برخی از آنها نقش مهمتری ایفا می‌نمایند. برای مثالی

<sup>۱</sup> برای مشاهده مقالاتی با عنوان چهره‌نگار رئیس بانک مرکزی باید اخراج شود برای مثال رجوع شود به:





اسلامی اخلاق نقش مهمی دارند لذا لازم است اقتصاد اخلاقی که دانشمندان غربی در سالهای اخیر برای رهایی از بحرانهای اقتصادی به آن متوسل شده اند در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مد نظر قرار گیرد. (جعفری صمیمی ۱۳۹۱).

## ۸- خلاصه و نتیجه گیری

هدف مقاله حاضر بررسی نقش و جایگاه ویژه اقتصاد بخش عمومی و ضرورت اصلاحات اساسی در آن به عنوان محور اصلی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بوده است. برای این منظور نقش ۶ زیر مجموعه مهم در این ارتباط و چگونگی ارتباط آن با اقتصاد بخش عمومی و اهمیت و جایگاه ویژه آنها در تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با تاکید بر عملکرد اقتصاد ایران از دهه ۱۳۶۰ تا کنون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. این زیر مجموعه ها که با یکدیگر نیز عمده‌ها ارتباط دارند عبارت بودند از ۱- اصلاح نظام مالیاتی ۲- خصوصی سازی واقعی ۳- تمرکز زدایی مالی و نقش دولتهای محلی ۴- ضرورت سازگاری تحقق اهداف کوتاه مدت - میان مدت و بلند مدت ۵- استقلال واقعی بانک مرکزی ۶- حکمرانی خوب و ارتباط صمیمانه با مردم. با توجه به تجزیه و تحلیل بعمل آمده در مقاله حاضر در هر یک از موارد ششگانه فوق در این بخش توجه به نکات زیر لازم است. بار دیگر مورد تاکید قرار گیرد:

۱- روند درآمدهای مالیاتی و هزینه های جاری دولت و مخصوصا نسبت مالیاتها به هزینه های جاری دولت در سالهای ۱۳۶۵-۱۳۹۱ نشان داده است که متأسفانه در این زمینه عملکرد اقتصاد بخش عمومی ضعیف بوده و نسبت فوق که هدف گذاری شده بود به عدد ۱۰۰ درصد برسد در طول دوره فوق هیچگاه حتی به ۵۰ درصد نیز نرسیده است. نکته جالب توجه این است که در هر برنامه اظهار امیدواری شده است که در برنامه پنج ساله بعدی تحقق یابد که هیچگاه عملی نشد و هیچکس هم در این زمینه پاسخگو نبود. بدیهیست در این شرایط علاوه بر انحراف تخصیص درآمدهای نفتی از امور مولد هزینه های عمرانی به امور غیرمولد هزینه های جاری و حتی استفاده از استقراض از بانک مرکزی و تلقی مرسوم و نادرست آن به عنوان نوعی درآمد برای دولت ریشه های اصلی تورم بلند مدت کشور را بوجود آورده است. واضح است برای برون رفت از این وضعیت که به نظر نگارنده نقش اساسی در الگوی پیشرفت کشور را ایفا می کند لازم است با ارایه سیاستهای اجرایی مناسب از طریق آگاه ساختن مردم در مورد نقش مالیات در توسعه و رونق اقتصاد کشور، افزایش پوشش مالیاتی و جلوگیری از فرار مالیاتی درآمدهای مالیاتی بهبود یافته و تعدیلات لازم در هزینه های جاری دولت صورت گیرد. در این زمینه وجود نظام مالیاتی کارآمد و کارشناسان ماهر و وظیفه شناس و واگذاریه شکل خصوصی سازی رقابتی برخی از فعالتهای دولت به بخش غیر دولتی می تواند نقش موثری ایفا نماید

۲- خصوصی سازی به معنی عدم دخالت دولت در اقتصاد نمی باشد. به عبارت دیگر نقش دولت لازم است تغییر نماید تا بتواند پیشرفت اقتصادی را تسریع نماید. دولت در نقش جدید خود به جای "بنا" به شکل "معمار" ظاهر شده و کلیه موانع بر سر راه اقتصاد بخش خصوصی را برداشته و در این نقش بدون اینکه خود فعالیتها را انجام دهد اجازه دهد عاملان بخش غیر دولتی با بهره وری بیشتر و رقابت با یکدیگر وارد عمل شوند. بنابراین کلید موفقیت خصوصی سازی واقعی عنصر رقابت می باشد. بدون شک این وضعیت از

عنوان جدول عوامل تولید و نقش تعیین کننده رشد اقتصادی نام برده شده است در تئوری الگوی خونیخا به اجرای هر نوع اقتصادی در دنیای واقعی وجود ندارد. همچنین توجه به شاخص های حکمرانی و آزماست تاکید شود که بدون همکاری مردم، اجرای موفقیت آمیز برنامه های پیشرفت، تعدیل و تثبیت و

۵- بدون شک استقلال واقعی بانک مرکزی به شکل عدم تسلط دولت بر بانک مرکزی و پاسخگویی بانک  
مرکزی برای سیاستهای هدفتاری شده شرط لازم پیشرفت اقتصادی است. زمانی استقلال واقعی وجود  
دارد که رئیس بانک مسئول سیاست پولی و مستقل اما هماهنگ با سیاست مالیات و عود  
تحقق هدفگذاری تورم و سایر وظایف محوله مطیع دولت نباشد و با حمایت مجلس از یکطرف و نگرانی از  
اجزای خود بدلیل عدم توانایی در انجام وظایف هدف گذاری شده به درخواستهای نامطلوب دولت مخصوصاً  
در شرایط بحران بودجه و کاهش منابع مالی " یک پدیده مالدی " شود. اینجاست که بانک مرکزی  
به عنوان نهاد ناظر بر اقتصاد و سیاست پولی و اعتباری کشور باید نقش مهمی را ایفا کند تا بتواند  
توسعه پایدار و رفاه اجتماعی را تأمین نماید.

[illegible][illegible]

سیدہ ابراہیم علیہ السلام کی بیوی حضرت اسماء بنت ابی بکر رضی اللہ عنہا کے ہاتھوں میں تھیں۔

سرانجام لازم است به نقش مهمتر سرمایه اجتماعی و سرمایه طبیعی در قالب توجه به محیط زیست و توسعه پایدار و مخصوصاً سرمایه اخلاقی در کنار سرمایه انسانی و فیزیکی و کاربرد اقتصاد اخلاقی که دانشمندان غربی در سالهای اخیر برای رهایی از بحرانهای اقتصادی و بهبود رشد و توسعه اقتصادی خود به آن متوسل شده اند در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تاکید نمود.

### منابع و مآخذ

- بازمحمدی، حسین و چشمی، اکبر (۱۳۸۵)، اندازه دولت در اقتصاد ایران، مجموعه پژوهش‌های اقتصادی بانک مرکزی، شماره ۲۹.
- برادران شرکا، حمید رضا (۱۳۷۸)، نقش دولت در جهان در حال تحول، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران.
- بروک جیمز و والتر آدامس (۱۳۸۸) «آدام اسمیت به مسکو می رود» - ترجمه احمد جعفری صمیمی - دانشگاه مازندران - چاپ دوم.
- پيله فروش، میثم (۱۳۹۱)، ردپای نفت در بودجه، فصلنامه تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۳۶، صص. ۴۸-۵۰.
- جعفری صمیمی، احمد (۱۳۹۰) «اقتصاد بخش عمومی (۱)»؛ انتشارات ((سمت)) وزارت علوم تحقیقات و فناوری، چاپ دوازدهم.
- جعفری صمیمی، احمد و احمد چهره قانی (۱۳۹۱) «اقتصاد اخلاقی و سیر اندیشه‌های اقتصادی» - انتشارات نور علم، تهران. چاپ اول.
- جعفری صمیمی، احمد و نوشین احمدی صومعه سرا (۱۳۸۱) «استقلال بانک مرکزی و عملکرد اقتصاد کلان در کشورهای در حال توسعه (شامل ایران)»؛ پژوهشنامه علمی پژوهشی علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران شماره ۴، بهار.
- جعفری صمیمی، احمد (۱۳۷۱) «تورم در ایران: یک پدیده مالی»؛ مجله علمی - کاربردی مدیریت دولتی، شماره (۱۷)، تابستان.
- جعفری صمیمی، احمد (۱۳۸۴) تحلیلی بر برنامه های تثبیت اقتصادی در کشورهای در حال توسعه - - مجله برنامه و توسعه - شماره ۱۰، زمستان.
- خبرگزاری ایسنا (۱۳۸۸) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار استادان و دانشجویان کردستان (۱۳۸۸/۲/۲۷).

